



## افغانستان و عربستان سعودی در زمینه آموزش تفاهم نامه همکاری امضا کردند

اطلاعات روز: محمدحنیف اتمر، وزیر خارجهی کشور در جریان سفرش به عربستان سعودی با حمد بن محمد آل شیخ...

صفحه ۲

## برق وارداتی از پاکستان قطع شد

صفحه ۲

## نامهی ترمپ به غنی | طنز

صفحه ۳

## بدترین روزهای

## ترنت الکساندر آرنولد با لیورپول

صفحه ۷

## رئیس جمهور بایدن و جنگ افغانستان



صفحه ۸

یادداشت روز

## بایدن و افغانستان؛ نقش مسئولانه امریکا در صلح با طالبان

جو بایدن، چهل و ششمین رئیس جمهور ایالات متحده امریکا در اول دلو امسال سوگند یاد کرد و قدرت را در امریکا به دست گرفت. او در سخنرانی اش با بیان این که دموکراسی و اراده مردم در امریکا به پیروزی رسیده گفت که چالش های زیادی پیش رو است که باید امریکا بر آن ها فائق آید، از جمله افراط گرایی و تروریسم.

پیروزی جو بایدن در امریکا با واکنش های زیادی در افغانستان مواجه شده است. رهبران سیاسی افغانستان، به ویژه رئیس جمهور اشرف غنی ماهها چشم به راه پیروزی بایدن بودند. سلف آقای بایدن، دونالد ترمپ مرد غیرقابل پیشبینی بود و هرچند در زمان او روابط کابل و واشنگتن خوب بود اما آقای ترمپ در دو سال اخیر حکومت خود تلاش کرد با گروه طالبان صلح کند؛ صلحی که تاکنون باب میل رهبران سیاسی و حکومت افغانستان نبوده است و برداشته ها این است که ترمپ می خواست صلح با طالبان را به حیث یک کالای سیاسی در انتخابات امریکا بفروشد...

۲



## خبرنگاران در هرات نشست خبری رئیس جمهور غنی را تحریم کردند

صفحه ۲

### کرونا در افغانستان؛

### ۲۶ مبتلا و سه جان باخته در شبانه روز گذشته

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه می گوید که در بیست و چهار ساعت گذشته ۱۸۴۷ نمونهی مشکوک به ویروس کرونا را...

صفحه ۲

### ویروس کرونا در میان بی جاشدگان داخلی در فاریاب شیوع کرده است

صفحه ۲



### اصابت هاوان طالبان جان یک کودک را در ارزگان گرفت

صفحه ۲



گزارش

## بی فرجامی دو شکایت؛ سرنوشت زنان پولیسی که مورد آزار جنسی قرار گرفتند

وزیر داخله وقت با اشاره به شکایت زنان پولیس از آزار و اذیت جنسی و تجاوز بر زنان پولیس در محیط کار توسط مافوق و همکاران مرد، نشر شده است. اما وزارت داخله این گزارش ها را «غراق آمیز» خوانده، صحت آن را انکار کرده است. حتی در یک مورد، غلام مجتبی پتنگ،

اما واقعیت جامعه سنتی افغانستان | صفحه ۴

تحلیل



## کاهش آلودگی هوا با آگاهی شهروندان ممکن می شود

یک روکش ذرات سمی در زمستان کابل را می پوشاند و سلامتی شهروندان را به خطر می اندازد. تخمین سازمان صحت جهانی در سال ۲۰۱۷ نشان می دهد که مرگومیر ناشی از خطرات محیط زیستی ۲۶ درصد از مجموع مرگومیر را در افغانستان تشکیل می دهد. | صفحه ۵

تحلیل

## رؤیای نظام «خالص اسلامی»؛ بازگشت به بدویت طالبانی

به نظر می رسد دور دوم مذاکرات صلح به کندی پیش می رود. تأکید دولت افغانستان در این دور بیشتر بر آتش بس و پایان خشونت ها است و تأکید گروه طالبان بر «ایجاد نظام خالص اسلامی». گروه طالبان از ابتدای مذاکرات بر نظام اسلامی و نظام مبتنی بر شریعت تأکید کرده است. اصرار آن ها بر نظام اسلامی، مبتنی بر اندیشه «دوگانه اعتقادی کافر - مؤمن» استوار است. ویژگی اساسی این طرز تفکر، سیاه و سفید بودن آن است. این طرز تفکر را می توان در اندیشه بسیاری از گروه های افراطی و بنیادگرا مثل داعش مشاهده کرد.

آنچه که دربارهی ادعای طالبان مبنی بر ایجاد «نظام خالص اسلامی»، نگران کننده است، این است که طالب تصویر روشنی در مورد محتوای این نظام نمی دهد. نسبت نظامی که طالب از آن حرف می زند با بسیاری از واقعیت های جامعه امروز افغانستان روشن نیست...

۳



## بسته های ویژه اینترنتی برای بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌یادداشت‌روز

حکومت ترمپ امتیازات بسیاری را به طالبان داد و توافق‌نامه‌ی سیاسی را با این گروه امضا کرد. حتا ترمپ می‌خواست با رهبران طالبان ملاقات کند و در کمپ دیوید با رهبران این گروه عکس بگیرد.

در افغانستان بسیاری‌ها، به‌ویژه رهبران حکومت این کشور از روند صلح امریکا و طالبان رضایت چندان ندارند. توافق‌نامه‌ی سیاسی امریکا و طالبان چهار بخش اساسی دارد: قطع روابط طالبان با گروه‌های تروریستی از جمله القاعده، خروج نیروهای خارجی از افغانستان، گفت‌وگوهای بین‌الافغانی و آتش‌بس. انتظار می‌رفت با امضای توافق‌نامه‌ی صلح امریکا و طالبان و شروع مذاکرات مستقیم میان جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان خشونت‌ها در افغانستان کاهش یافته و مذاکرات صلح به نتیجه‌ی ملموس برسد اما برخلاف آن سطح خشونت‌ها در این کشور بالا رفته است و حملات هدفمند تروریستی که حکومت طالبان را عامل آن می‌خواهد، نمادهای برجسته‌ی دستاوردهای دو دهه‌ی اخیر افغانستان را نشانه گرفته است.

از طرف دیگر سیاست دونالد ترمپ در قبال طالبان، نامیدی گسترده‌ای را در افغانستان خلق کرده بود. دستاوردهای دو دهه‌ی پسین در افغانستان که در سایه‌ی حضور نظامی و سیاسی امریکا ممکن شده است، در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. طالبان احساس می‌کنند که در صورت خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان می‌توانند قدرت را از طریق زور و با استفاده از نیروی نظامی به‌دست گیرند. این گروه در مذاکرات مستقیم با جمهوری اسلامی افغانستان مسائلی را مطرح کرده است که نشان می‌دهد آن‌ها در پی اعمال خواسته‌های خود بر افغانستان و ایجاد حکومت مورد علاقه‌ی خود هستند. همزمان از دوحه شنیده می‌شود که هیأت مذاکره‌کننده‌ی طالبان پس از پایان وقفه‌ی بیست روزه، اکنون با خشم بیشتر برگشته‌اند و تمایل چندان برای پیشبرد مذاکرات مستقیم ندارند و در انتظار خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان‌اند.

روی کارآمدن جو بایدن هرچند تغییرات جدی را در سیاست امریکا در قبال روند صلح افغانستان ایجاد نخواهد کرد اما انتظار می‌رود دولت جو بایدن روند صلحی را که در دوران آقای ترمپ شروع شد، با تغییراتی ادامه داده و این مسأله را به‌گونه‌ی مسئولانه‌تر دنبال کند. رهبران حکومت افغانستان و مردم این کشور در نخست انتظار دارند که دولت آقای بایدن مسأله‌ی افغانستان را جز اولویت‌های دولت خود قرار دهد. افغان‌ها انتظار دارند دولت بایدن سیاستی را که دونالد ترمپ در قبال طالبان در پیش گرفته بود، دنبال نکند.

پس از برگزاری مراسم سوگند آقای بایدن، اشرف غنی در پیامی پیروزی او را تبریک گفت و اذعان کرد که مشارکت استراتژیک افغانستان با امریکا ادامه خواهد یافت. او همچنان گفته است که این مشارکت در روند مبارزه با تروریزم و برقراری صلح و ثبات در افغانستان تقویت و تداوم خواهد یافت. همزمان با آن شاه‌محمود قریشی، وزیر خارجه پاکستان از جو بایدن خواسته است که روند صلح افغانستان و خروج نیروهایی امریکایی از افغانستان را پی‌گیری کند. او گفته است که دولت بایدن باید درک کند در افغانستان فرصتی وجود دارد و روندی که به راه افتاده است، باید به عقب برگردانده نشود زیرا «بهد از مدت‌ها ما در مسیر درست حرکت کرده‌ایم.»

هرچند هنوز دولت آقای بایدن در خصوص روند صلح افغانستان به‌صورت رسمی سخن نگفته است اما چند روز پیش لوید جی آستین، نامزد پیشنهادی بایدن برای وزارت دفاع امریکا در سخنرانی در کمیته خدمات نظامی سنای امریکا گفت که نگرانی‌های مقامات ارشد نظامی کشورش راجع به طالبان و میزان خشونت‌های جاری در افغانستان را جدی می‌گیرد. او گفته است که رییس‌جمهور منتخب متعهد شده است جنگ در افغانستان را به‌گونه‌ی مسئولانه پایان دهد و دولت جدید با تلاش دیپلماتیک سطح بالا، از روند صلح بین دولت افغانستان و طالبان حمایت خواهد کرد. این تلاش برای کمک به دولت افغانستان و طالبان برای دستیابی به یک توافق سیاسی و آتش‌بس طولانی‌مدت است.

اکنون انتظاری که مردم افغانستان از جو بایدن دارند، این است که ایالات متحده امریکا در خصوص سیاست امتیازدهی یک‌طرفه به گروه طالبان که توسط دولت ترمپ اعمال گردیده است، تجدید نظر کند و ضمن پیشبرد روند صلح، فشارهای معناداری را بر گروه طالبان و حامیان آنان بیآورد تا این گروه به آتش‌بس و کاهش خشونت تن دهد. همچنین رویای فتح و سقوط نظام از راه جنگ و خشونت را کنار بگذارد و با حسن نیت و اراده‌ی جدی وارد گفت‌وگوهای صلح شده و به جنگ جاری در افغانستان پایان دهند.

اطلاعات روز - هرات: نشست خبری

رییس‌جمهور اشرف غنی در ولایت هرات از سوی خبرنگاران تحریم شد. همزمان با این، شماری از فعالان مدنی و باشندگان هرات سفر آقای غنی به این ولایت را نمایشی و بدون دست‌آورد می‌خوانند.

ساعت هفت صبح دیروز (جمعه، ۳ دلو) رییس‌جمهور غنی پس از انتقادهای شدید خبرنگاران، در یک نشست خبری ظاهر شد، اما این نشست از سوی شماری از رسانه‌های محلی و خبرنگاران ملی و بین‌المللی در هرات تحریم شد. تنها چهار رسانه‌ی محلی در نشست خبری آقای غنی حضور یافتند.

نشست خبری رییس‌جمهور غنی در هرات درحالی تحریم شده است که دو روز پیش آقای غنی از دیدار با خبرنگاران خودداری کرد. به دنبال امتناع غنی از دیدار با خبرنگاران، نشست خبری

دواخان مینه‌پال، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری نیز از سوی خبرنگاران تحریم شد. خبرنگاران در هرات می‌گویند توقع داشتند که شخص رییس‌جمهور به پرسش‌های آن‌ها پاسخ بدهد. این خبرنگاران خودداری غنی از دیدار با آن‌ها را نوعی بی‌احترامی به جامعه‌ی رسانه‌ای تلقی کرده‌اند.

از سوی هم، شماری از فعالان مدنی در هرات سفر رییس‌جمهور غنی به این ولایت را نمایشی و بدون دست‌آورد می‌خوانند.

جواد عمید، فعال مدنی در صحبت با اطلاعات روز می‌گوید که افتتاح پروژه‌ها در حاشیه‌ی سفر آقای غنی «ناکارآمد و غیرموثر» است. او همچنان می‌گوید: «نام‌گذاری میدان‌هوایی هرات نمی‌تواند گره از مشکلات اقتصادی و امنیتی مردم

هرات باز کند.»

به گفته‌ی او، تمام پروژه‌هایی که از سوی رییس‌جمهور غنی در سفرهایش به هرات افتتاح شده، پس از رفتن او هیچ جنبه‌ی عملی به خود نگرفته است.

این درحالی است که رییس‌جمهور غنی در جریان ریاست‌جمهوری‌اش تا کنون نه بار به هرات سفر کرده است. این سفرهای آقای غنی همواره با قیودات شدید امنیتی به همراه بوده است.

فرید محمدی، باشنده‌ی هرات در صحبت با اطلاعات روز می‌گوید: «سفر رییس‌جمهور جز این‌که آرامش ما را برهم بزند و از کار ما را بیکار کند دیگر فایده به ما نداشته است.»

او می‌گوید که غنی در تمام سفرهایش به هرات به مردم وعده‌ی بهبود وضعیت امنیتی، اقتصادی و ایجاد کار به جوانان را داده است، اما همه‌ی وعده‌های او «دروغ»

### اصابت هاوان طالبان جان یک کودک را در ارزگان گرفت

به نقل از اعلامیه، این مرمی هاوان از سوی جنگ‌جویان گروه طالبان بالای غیرنظامیان شلیک شده است. گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است.

وزارت دفاع طالبان را عامل اصلی تلفات غیرنظامیان دانسته و گفته است که با افزایش خشونت‌های این گروه، آمار تلفات غیرنظامیان نیز افزایش یافته است. ولایت ارزگان در جنوب افغانستان موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت نامن، جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت گسترده‌ی تروریستی دارند.

همکاری‌های تعلیمی و آموزشی و مسایل «مورد اهتمام» مشترک بحث و گفت‌وگو کرده است.

در این دیدار، آقای اتمر از کمک‌های دولت عربستان سعودی در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در بخش آموزش و پرورش و اعطای بورسیه‌ها به دانشجویان افغانی قدردانی کرده است.

آقای اتمر همچنان خواستار گسترش دامنه‌ی همکاری‌ها و ارائه‌ی کمک‌ها در زمینه‌ی آموزش‌های مسلکی به افغان‌ها در رشته‌های علمی و تخنیکی شده است. حمد بن محمد آل شیخ، وزیر معارف عربستان سعودی گفته است که کشورش می‌خواهد با افغانستان در مرحله‌ی گذار افغانستان به فصل جدید، همکاری کند.

### برق وارداتی ازبیکستان قطع شد

به گفته‌ی شرکت برشنا، کارمندان فنی این شرکت به‌خاطر رفع مشکل دست به کار شده‌اند.

افغانستان حدود ۴۵۰ میگاوات برق از ازبیکستان وارد می‌کند. در هفته‌های گذشته این میزان برق وارداتی به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت و حتی باری به دلیل بروز عوارض تخنیکی در دستگاه‌های برق ازبیکستان، به‌صورت کامل قطع شد.

## ویروس کرونا در میان بی‌جاشدگان داخلی در فاریاب شیوع کرده است

به دیدار مریضان کرونا رفته و آن‌ها را قناعت داده است که در شفاخانه بستر شوند. فایق تأکید کرده است که شفاخانه‌های کووید۱۹ در فاریاب تمام امکانات تداوی را دارد.

براساس معلومات وزارت صحت عامه، تا کنون ۴۲۸ نفر در ولایت فاریاب به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند که از این میان، ۲۹۰ نفر بهبود یافته و ۲۵ نفر دیگر جان داده‌اند.

در سراسر افغانستان تا کنون ۵۴ هزار و ۵۵۹ نفر به کرونا مبتلا شده‌اند. از این میان، ۴۶ هزار و ۹۱۲ نفر بهبود یافته و دوهزار و ۳۷۳ نفر دیگر جان داده‌اند.

اطلاعات روز: نقیب‌الله فایق، والی فاریاب می‌گوید که ویروس کرونا در میان بی‌جاشدگان داخلی در این ولایت شیوع یافته و شماری از آن‌ها به این ویروس مبتلا شده‌اند.

آقای فایق دیروز (جمعه، ۳ دلو) در توییتی نوشته است که صدها بی‌جاشده‌ی داخلی در ۱۶ مکتب در شهر میمنه، مرکز ولایت فاریاب زندگی می‌کنند.

به گفته‌ی فایق، از بی‌جاشدگانی که سرفه و تب داشتند، تست کرونا گرفته شده است که نتایج آزمایش ۳۰ نفرشان مثبت تشخیص شده است.

والی فاریاب افزوده است که او خود

### خبرهای داخلی

## خبرنگاران در هرات نشست خبری رییس‌جمهور غنی را تحریم کردند



## رؤیای نظام «خالص اسلامی»؛ بازگشت به بدویت طالبانی

حسین‌علی کریمی

به نام اسلام می‌شناسیم. سروش معتقد است ما نمی‌توانیم از این میان خوشه‌چینی کنیم و مثلاً دوره خلفای راشدین را اسلامی بخوانیم و بقیه آن را دور بیندازیم و بگوییم غیراسلامی است. او این شکل از فهم اسلام را ناشی از کج‌فهمی امر تاریخی در ارتباط با تاریخ اسلام و دین می‌داند. به‌نظر او سرنوشت چنین فهمی از اسلام، بنیادگرایی و سلفی‌گرایی است.

سروش گروه‌های ایدئولوژیک و بنیادگرا در تضاد و نفی دیگری است. به‌نظر می‌رسد گروه طالبان با توجه به این‌که همه چیز (دولت) اسلامی افغانستان، رسانه‌ها، مکتب، دانشگاه، حقوق بشر، آزادی زنان، اقتصاد و ... را در تضاد با برداشت خود از اسلام می‌داند به چنین آفتی گرفتار شده است. آنچه که طالب را به سمت بنیادگرایی و افراط‌گرایی می‌کشاند، برداشت سطحی و حداقلی آن‌ها از بدفهمی دین و امر تاریخی اسلام است. از دل چنین رویکردی ضدیت به‌وجود می‌آید و دین به مناسک و ابزار تبدیل می‌شود.

دکتر ابوالفضل فصیحی، پژوهشگر علوم سیاسی بر این باور است که «طالبان به‌عنوان یک گروه بنیادگرای اسلامی، دارای ایدئولوژی روشن و نظام‌مند نیستند. طالبان را بیشتر باید واجد «ضدویژگی» دانست. یعنی این گروه را براساس چیزهایی تعریف کرد که با آن‌ها ضدیت دارند: طالبان یعنی ضدیت با امریکا، ضدیت با نهادهای مدرن، ضدیت با تکثرگرایی و تساهل، ضدیت با زنان و مانند این‌ها. هیچ گفتار و متن روشن و نظام‌مندی از سوی طالبان، جز برخی از بیانه‌ها و سخن‌های پراکنده و مناسبتی چیز دیگری وجود ندارد که بتوان براساس آن نظام فکری و سیر تحول فکری و ایدئولوژیک طالبان را بررسی کرد. اگر طالبان را به‌عنوان مثال با جریان اسلامی

سازمان‌یافته‌ای همچون اخوان‌المسلمین مقایسه کنیم، تفاوت کاملاً روشن می‌شود. در مورد اخوان‌المسلمین به‌روشنی می‌توان از سیر تحول و تطور و تغییر فکری آن سخن گفت. اما مورد طالبان نمی‌توان به چنین برداشتی رسید. به ناچار باید همان ضدویژگی‌ها را در نظر گرفت؛ که در آن صورت هیچ تغییری در ماهیت طالبان نسبت به گذشته دیده نمی‌شود.»

### افزایش شهرنشینی؛ تغییر سبک زندگی پس از طالبان

افغانستان یک جامعه روستایی با اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و زمین است که به‌سرعت در حال دگردیسی و تغییر به سمت شهرنشینی است. گزارش وضعیت شهرهای افغانستان نشان می‌دهد که در سال ۱۹۵۰ از هر ۲۰ نفر تنها یک نفر در شهرها زندگی می‌کردند. در حالی که در سال ۲۰۱۴ از هر ۴ نفر، یک نفر در شهرها زندگی می‌کردند. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۶۰ از هر ۲ نفر در افغانستان یک نفر در شهرها زندگی خواهند کرد. به این معنی که ۵۰ درصد جمعیت کشور تا ۲۰۶۰ ساکن شهرها خواهند بود. این میزان رشد و علاقه به شهرنشینی، یکی از بالاترین سطوح شهرنشینی در کشورهای منطقه است. پیش‌بینی می‌شود میزان جمعیت شهرنشین طی ۳۰ سال آینده سه‌برابر شده و جمعیت شهری در افغانستان به بیش از ۲۴ میلیون خواهد رسید. گرایش شهرنشینی در مقایسه با کشورهای همسایه نشان می‌دهد که افغانستان مانند سایر کشورهای همجوارش به روند رشد شهرنشینی طی دهه‌های آینده شهرها به‌عنوان بزرگترین اختراع بشری،

مظهر و نمود تمدن و اندیشه بشری است که به‌صورت قابل ملاحظه‌ای، متأثر از فرایند جهانی شدن است. فرایند جهانی شدن، مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و باعث فشردگی مفهوم زمان شده است. یکی از مهم‌ترین و ملموس‌ترین آثار شهرنشینی، تغییر سبک زندگی افراد جامعه در دهه‌های اخیر است. افغانستان نیز به مدد رشد فزاینده اینترنت، رسانه‌های اجتماعی و تصویری از این تغییر و تحولات در روش سبک زندگی، بی‌نصیب نمانده است. سبک زندگی، مفهومی مدرن است که بازگوکننده سلیقه‌ها، رفتارها، انتخاب‌ها، نوع مصرف، باورها و عقاید شخصی افراد و گروه‌های جامعه است. سبک زندگی، شیوه زندگی سنتی و تثبیت‌شده جامعه نیست. سبک زندگی رویکردی تازه است به ساختارها و چارچوب‌های زندگی سنتی. بخش‌های وسیعی از زندگی افراد مثل موسیقی، تلویزیون، غذا، پوشش، مناسبات اجتماعی، تفریح، سرگرمی و ... تحت تأثیر سبک زندگی، دستخوش تغییر می‌شوند.

پس از دوره خفقان و تارک حاکمیت طالبان، فضای زندگی افغان‌ها رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت. فضای اجتماعی شهری به سمت تکثر حرکت کرد. در این فرایند، نقش زنان شهری افغان، چشمگیر بوده است. زنان در فضای شهری پساطالبان، بیش از گذشته تلاش کردند تا تفسیرهای خود را از پدیده‌های اطرافشان ارائه دهند و امکان خوانش زنانه از محیط و شهر را برای خود فراهم کنند. برای این‌که بدانیم سبک زندگی مردم پس از دوره سیاه طالبان چقدر تغییر کرده است، کافی است نگاهی به درخواست مردم به‌خصوص زنان و دختران برای آموزش بیشتر یا تنوع در تولید موسیقی، فیلم و با تعدد رستوران‌ها با

غذاهای مختلف و همچنین فضاهای اجتماعی شهری بیندازیم. عناصری که به‌نظر می‌رسد بخشی از واقعیت‌های انکارناپذیر زندگی افراد جامعه باشند. برگردیم به پرسش ابتدای این نوشته. نظام اسلامی موهومی که طالب از آن سخن می‌گوید چقدر با فضای اجتماعی و فرهنگی امروز افغانستان قابل جمع است؟ پاسخ روشن است. فضای زندگی و به‌ویژه سبک زندگی افراد در طول دو دهه گذشته تغییر کرده است و بعید به‌نظر می‌رسد که زنان و دختران، مکتب و دانشگاه را رها کنند و دوباره به کنج خانه‌ها بروند. کوتاه سخن این‌که رؤیای نظام اسلامی طالبان با واقعیت‌های جامعه افغانستان در تضاد است. برآیند چنین تضادی، تشدید خشونت، مهاجرت و تهدید صلح و امنیت جامعه است.

### ابزار طالبان برای به‌وجودآوردن نظام اسلامی

هر ایده‌ای و یا هر اندیشه‌ای نیازمند این است که در ساحت نظری به آن پرداخته شود. تبدیل به متن شود. نقد و بررسی شود. گروه‌های مختلف درباره آن بحث و تبادل نظر کنند تا در نهایت آن ایده و یا اندیشه به پختگی و تکامل برسد. آنچه که درباره نظام موهوم اسلامی که طالب از آن سخن می‌گوید، دیده نمی‌شود این سیر تکامل و نظام‌یافتگی است. با آن‌که آن‌ها نزدیک به سه دهه است که ادعای برپایی نظام اسلامی دارند، تاکنون موفق نشده‌اند یک اثر مدون برای بیان ایده‌هایشان، تولید کنند. در عوض بیشتر تمرکزشان را بر جنگ، تشدید خشونت و ضدیت با عناصر مدرن مثل به‌آتش‌کشیدن مکاتب در مناطق تحت سلطه‌شان استوار کرده‌اند.

برای بسیاری از مردم افغانستان هنوز منابع فقهی، کلامی و اندیشه‌های طالب روشن نیست. مشخص نیست نظام اسلامی مد نظر طالب قرار است بر مبنای کدام منابع و محتوا ایجاد شوند. البته که بعید به‌نظر می‌رسد اصلاً چنین منابعی وجود داشته باشد. با توجه به رابطه این گروه با سایر گروه‌های سلفی و تروریستی در منطقه و جهان، روی کارآمدن نظام اسلامی مدنظر طالبان، افغانستان را بیش از پیش به دام گروه‌های سلفی می‌اندازد و آن را بستری برای تولید افراط‌گرایی خواهد کرد.

به‌نظر می‌رسد تنها ابزار طالبان برای برقراری نظام اسلامی مورد نظرشان از بدو تأسیس این گروه تاکنون، جنگ و خشونت و ضدیت با عناصر مدرن بوده است. ابزاری که هنوز هم با شدت و قدرت از آن استفاده می‌کنند. این گروه هیچ برنامه‌ای برای حکومت‌داری، ایجاد اشتغال، توسعه، بیکاری، فقر و بسیاری از شاخص‌های اقتصادی جامعه ندارد. اگر همچنین برنامه‌هایی داشته باشد، بعید به‌نظر می‌رسد که بتوانند در ذیل آن به نیازهای متنوع جامعه، پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه کنند. در نهایت این‌که، نظام اسلامی موهومی که طالب از آن دم می‌زند در عمل نتیجه‌ای جز عقب‌گرد و بازگشت به بدویت برای افغانستان نخواهد داشت.

### طنز

## نامه‌ی ترمپ به غنی

سخن‌پرداز هاتف

طنزنویس

استاد سلام،

امیدوارم خوب باشی و پارلمان افغانستان بودجه‌ی آن همه گوشت و گیاه را که برای ارگ پیشنهاد دادی، بپذیرد. البته می‌دانم اگر نپذیرند هم مشکلی نیست. شما آن کد ۹۱ را در اختیار دارید که دست پارلمان از آن کوتاه است.

دیدنی مردم امریکا با من چه رفتاری کردند؟ مرا ببین که به توصیه‌های تو گوش دادم. هیچ یک از تدابیری که گفته بودی برای من کار نداد. گفتمی اعلام نتایج انتخابات را به تأخیر بیندازم؛ نشد. گفتمی یک ضیاءالحق امرخیل سفیدپوست پیدا کنم که شکم گوسفندها (صندوق‌ها) را پر کند؛ نیافتم. گفتمی یک

جنرال پیدا کن و به او موقتاً پول و امتیاز زیاد بده که در انتخابات کمک‌ات کند؛ پیدا نشد. راستش، یک جنرال چهارستاره طرفدار من بود که به‌خاطر یک دروغ به زندان رفت. گفتمی به دروغ بگو که هیچ امریکایی از هیچ امریکایی دیگر برتر یا فروتر نیست؛ اما این را نمی‌شد بگویم. تو که از این چیزها در افغانستان می‌گویی، طرفداران خوب داری. با تمام حرف‌های راست و دروغ‌ات کنار می‌آیند. من اگر این حرف را در امریکا بزنم، طرفدارانم به دهانم طبله خواهند زد.

گفتمی به مردم امریکا قول بدهم که برای‌شان برق بیست‌وچهارساعته فراهم آورم، این را گفتم. خاک بر سرم. همه به من خندیدند. گفتمند ما که به‌هرحال برق بیست‌وچهارساعته داریم؛ یک چیز دیگر وعده بده ای لافوک

بد شد. بعد معلوم شد که آن طفل کرونا هم داشته. خیلی عصبانی شدم. به ارتش امریکا دستور دادم که فوراً آن کودک شش‌ماهه را بازداشت کند، اما معاون وزیر دفاع به من زنگ زد و گفت رییس صاحب زشت است، مردم خواهند گفت ترمپ خود را سر ما شمر جور کرده.

تو هر بار که با عظامحمد نور درگیر می‌شوی، به جنرال دوستم امتیاز می‌دهی و هر وقت که خلیلی ازت فاصله گرفت به محقق نزدیک می‌شوی. اما در کشور من این روش چندان مؤثر نیست. چندبار به فرزندان مخالفان و رقیبان خود پیشنهاد سفارت و وزارت دادم. حتا یک نفرشان هم قبول نکرد. در چند مورد حتا تهدیدشان کردم؛ گفتم اگر پیشنهاد سفارت را نپذیرید شما را به زندان می‌اندازم. اما قبول نکردند. یک‌رقم شطب مردم هستند که نپرس. مثل رقبای تو نیستند که به‌خاطر یک سفر دبی یا دعوت به مهمانی ارگ مرانامه‌ی

نارنجی! گفتمی به مردم بگو که سالانه هزاران تن کشمش‌شان را به فرانسه صادر خواهیم کرد؛ اما این وعده را هم ندادم. مشاورانم گفتند که اولاً امریکایی‌ها در کار کشمش نیستند و ثانیاً، فرانسوی‌ها هنوز کشمش‌های خریداری‌شده از افغانستان را مصرف نکرده‌اند و نمی‌توانند از امریکا کشمش بخرند.

دلم می‌خواست یکی از توصیه‌های سال ۲۰۲۰ تو را اجرا کنم. گفته بودی که به ولایت‌های امریکا سفر کنم و در هر سفر یک دختر سه‌ساله را بر شانه‌های خود بگذارم و به مشاور ارشد در امور فرهنگی خود بگویم که عکس من و آن طفل را در فیس‌بوک بگذارد. اما از بخت بد من همین یکی هم برای من کار نداد. کرونا حکومت مرا تباه کرد. هیچ‌کس حاضر نیست طفل خود را بدهد که من سر شانه‌ی خود بگذارم. با وجود این، یک‌بار می‌خواستم طفل شش‌ماهه‌ای را بغل کنم و با او عکس بگیرم؛ اما طفل بو می‌داد. حاله

حزب خود را به سطل زباله بیندازند. من اول فکر می‌کردم که تو خیلی ماهری و می‌توانی دشمنان قسم‌خورده‌ی خود را با یک پست بی‌معنای دولتی رام و آرام کنی. ولی حالا به این نتیجه رسیده‌ام که مخالفان تو هم شدیداً نرم‌استخوان هستند. کاش من هم از آن‌گونه مخالفان و دشمنان داشتم.

به‌هرحال، از ما نشد. تو خوشبختی. می‌توانی در ۲۰۲۴ انتخابات دایر کنی و تا سال ۲۰۲۸ یا ۲۰۳۰ اعلام نتایج انتخابات را به تعویق بیندازی و در یک دوره به اندازه دو دوره ریاست کنی. اصلاً می‌توانی قانون اساسی را تغییر بدهی و رییس‌جمهور مادام‌العمر شوی. برای تو که کاری ندارد. یک لوی‌جره دایر کن (زیر خیمه باشد بهتر است) و یک نان چاشت مفصل به اعضای لویه جرگه بده، فردایش می‌شوی پادشاه. عیش داری به خدا! با احترام، دونالد ترمپ



## بی‌فرجامی دو شکایت؛ سرنوشت زنان پولیسی که مورد آزار جنسی قرار گرفتند

زهرا نادر و عابر شایگان |

نقیب‌الله مالستانی در یک مصاحبه تلفنی نوشتن نامه و فریب مومنه را انکار یا تأیید نکرد.

### نقش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

مومنه می‌گوید که او تمام زوایای قضیه‌اش، به‌شمول دخالت نقیب‌الله مالستانی و فشار دو وکیل شورای ولایتی را با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در میان گذاشته بود. اما گزارش این کمیسیون هیچ اشاره‌ای به فریب و دخالت آمر امنیت فرماندهی پولیس و اعمال فشار از سوی دو وکیل شورای ولایتی ندارد. گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر، روایت مومنه را در کم‌تر از صد کلمه بیان کرده و هیچ نقل‌قول مستقیمی از مومنه درج نکرده، حال آن‌که گفته‌های مسئولان به گونه‌ی کامل با نقل‌قول مستقیم درج شده است.

بهزاد حکاک، هماهنگ‌کننده ملی آمبودزمن در کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گوید که این کمیسیون از «فشار سیاسی» و دخالت دو وکیل شورای ولایتی و یک وکیل پارلمان باخبر بوده، اما از آنجایی که دخالت آنان بر تحقیقات این کمیسیون «در جریان قضیه تأثیرگذار نبوده» از درج آن در گزارش خودداری کردند. وی تأکید می‌کند که تحریک دعوا پس از عریضه‌ی اول صورت گرفته و کمیسیون با توجه به این‌که مومنه «تحت فشار سیاسی» بوده، به عریضه‌ی دوم و برای انصراف از شکایت توجه نکرده است.

در ارتباط با موضوع فریب از سوی آمر امنیت فرماندهی پولیس دایکندی، آقای حکاک می‌گوید که این مسأله برای کمیسیون مطرح نبوده، زیرا از یک طرف کمیسیون در این مورد اسناد جمع‌آوری نمی‌توانسته و از طرف دیگر، «مسأله‌ی فریب او تأثیرگذار نبوده است». اما گزارش این کمیسیون خلاف گفته‌های آقای حکاک را نشان می‌دهد: «بعد از دریافت عریضه‌ی دوم، در ریاست دفتر ولایت دایکندی علت انصراف از دعوایش را به‌صورت دقیق از مومنه جویا شدیم و احتمال وجود هرگونه فشار و یا تهدیدی را مورد بررسی قرار دادیم. اما وی چنین بیان داشتند که هیچ‌گونه فشار و یا تهدیدی در مورد تصمیم موصوف مینی بر انصراف از شکایت وی وجود نداشته و این تصمیم با اراده آزاد شخصی‌اش اتخاذ شده است. بنابراین پی‌گیری بیشتر قضیه متوقف گردید.»

در یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر در رابطه به قضیه مومنه آمده است: «شاکي پس از طرح ادعای خویش طی عریض متعده در سارنوالی خواهان ترک دعوی خویش گردیده و علت ادعای تجاوز جنسی را از روی احساسات بیان داشته که متأسفانه ادعای اولی وی را ضعیف نموده است.»

کمیسیون مستقل حقوق بشر نه‌تنها از

خود را به منطقه «تومیش» رساند و از آن‌جا در یک موتر «دریست» به نیلی آمد. در نیلی، او علیه فرمانده بلوچ و مدیر لوجستیک فرماندهی پولیس دایکندی به دفتر کمیسیون حقوق بشر، ریاست امور زنان، ریاست دادستانی، ریاست امنیت ملی، فرماندهی پولیس و مقام ولایت دایکندی شکایت ثبت کرد. مومنه می‌گوید که بعد از ثبت شکایت، شیما محمدی، یک عضو شورای ولایتی دایکندی و همسر مدیر لوجستیک فرماندهی پولیس به دیدن او آمد. به گفته‌ی مومنه، شیما محمدی به او پیشنهاد کرد تا در بدل پول، خانه یا «رتبه هوایی»، از شکایتش صرف نظر کند، اما او را نپذیرفت.

چند روز بعد، مومنه برای پی‌گیری پرونده‌اش به دیدن نقیب‌الله مالستانی، آمر امنیت فرماندهی پولیس ولایت دایکندی رفت. آمر امنیت به مومنه توضیح داد که «زورشان به قوماندان بلوچ نمی‌رسد»، اما آنان از طریق یک «نقشه» می‌توانند او را دستگیر کنند. به گفته‌ی خانم ابراهیمی، مطابق به این نقشه، نقیب‌الله مالستانی در نامه‌ای که از طرف مومنه می‌نویسد، می‌گوید که او محمدخان بلوچ را بخشیده و ادعایی علیه او ندارد. مومنه می‌گوید که آمر امنیت فرماندهی پولیس دایکندی به او وعده داده بود که این نامه تله‌ای خواهد بود که از طریق آن محمدخان بلوچ را دستگیر خواهند کرد. مومنه که خود، سواد خواندن و نوشتن ندارد، از نقیب‌الله مالستانی خواسته بود که او را با «قلمش» فریب ندهد.

فردای آن روز در حضور جمع بزرگی از ریش‌سفیدان کجران، نقیب‌الله مالستانی، بدون این‌که نامه را برای مومنه بخواند، شصت و او را روی نامه گرفت و به او گفت: «مطمئن باش، من هیچ وقت سرازم را به قلم نمی‌زنم.»

بعدا نقیب‌الله مالستانی او را با شیما محمدی و ابراهیم رحمانی بلوچ، نماینده شورای ولایتی دایکندی (از اقوام نزدیک محمدخان بلوچ) برای اعلام انصراف از شکایتش به تمام نهادهای مومنه از شکایت درج کرده بود، می‌فرستد. چند روز بعد از تسلیمی این نامه، مومنه می‌گوید که شیما محمدی و ابراهیم رحمانی بلوچ هر دو مجموعاً مبلغ ۲۹۴ هزار افغانی به او پول دادند. به گفته‌ی مومنه، ۹۴ هزار افغانی آن از طرف شیما محمدی و ۲۰۰ هزار افغانی آن از طرف رحمانی بلوچ بوده است. دو نفر از شاهدینی که در زمان دادن پول حضور داشتند، صحت این ادعا را تأیید می‌کنند.

اما شیما محمدی ادعاهای مومنه علیه خودش را دروغ و توطئه دانسته، گفت که او پولی به مومنه نداده است: «اگر همچنین موردی باشد که آدم جلو آن را بگیرد، این آپول دادن یک چیز معمول است در افغانستان.» ابراهیم رحمانی بلوچ نیز دیدار غیررسمی و پول‌دادن به مومنه را رد کرد.

### دسترس‌ی نداشتن به سیستم شفاف رسیدگی به شکایت

فاطمه احمدی می‌گوید که بعد از مواجه‌شدن با آزار جنسی و تهدید، به ریاست تحقیقات جنایی شعبه فساد اداری وزارت داخله شکایت درج کرد، اما مأموران این اداره که با مدیر جنایی حوزه نهم پولیس در ارتباط بودند، شکایت او را یک هفته رسمی نکردند. پس از این‌که فاطمه احمدی به‌دلیل آزار و اذیت جنسی از کارش استعفا کرد، او می‌گوید که آمر حوزه نهم استعفانامه‌ی او را خلاف روند معمول به‌جای ارسال به فرماندهی پولیس کابل، به بخش استخبارات حوزه برای تحقیق فرستاد. به گفته‌ی خانم احمدی، کارمندان بخش استخبارات این حوزه، او را در یک اتاق «تنگ و تاریک» که از مجرمان در آن اعتراف می‌گیرند، نشانده و از او پرسیدند: «چرا مدیر جنایی از دیگر زنان پولیس مدیریت جنایی درخواست رابطه جنسی نکرده؟ چرا فقط از تو درخواست کرده؟ چرا دیگر زنان شکایت نکردند؟»

پس از نشر ویدیوی اعتراضی‌اش در شبکه‌های اجتماعی و شکایت از آزار و اذیت جنسی، فاطمه احمدی می‌گوید که او حداقل دویار مورد تهدید و حمله فیزیکی قرار گرفته و برای امنیت خود و دو فرزندش، مجبور شده افغانستان را ترک کند. اما دادستانی به او گفته که برای تکمیل شدن پرونده‌اش، او باید حضور داشته باشد. به‌دلیل عدم حضور خانم احمدی، فعلاً دادستانی کل پرونده او را حفظ کرده است. این افسر سابق پولیس می‌گوید اکثر زنان پولیسی که آزار و اذیت جنسی را تجربه کرده‌اند، برای ترس از آبرو و نبود سیستم قابل اعتماد و مصون برای رسیدگی به شکایات‌شان سکوت اختیار می‌کنند. یافته‌های یک گزارش کمیسیون حقوق بشر افغانستان که در ماه دلو ۱۳۹۸ نشر شد، نشان می‌دهد که حداقل ۷ درصد از زنانی که در نهادهای امنیتی کار می‌کنند، از سوی فرماندهان و همکاران مرد مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند، اما به‌دلیل حساسیت موضوع و ترس از دست‌دادن شغل‌شان سکوت کرده‌اند.

### دشواری ثبت شکایت و دسترس‌ی به عدالت برای زنان پولیس

مومنه ابراهیمی دو روز پس از این‌که توسط فرمانده مافوقش مورد تجاوز قرار می‌گیرد، تلاش می‌کند تا در ولسوالی کجران علیه محمدخان بلوچ و احمدتنویر حیدری شکایت درج کند، اما مقامات محلی حاضر به ثبت شکایت او نمی‌شوند. مومنه می‌گوید که فرمانده پولیس از عریضه‌نویسان خواسته بود که عریضه‌ی او را ننویسند و از رانندگان نیز خواسته بود که او را به مرکز دایکندی انتقال ندهند. وقتی مومنه از ثبت شکایت در کجران ناامید شد، او با ۵۰۰ افغانی یک موتورسیکلت کرایه کرده،

مومنه این درگیری را پیامد اقدام به اختطاف و تجاوز از سوی احمدتنویر حیدری و محمدخان بلوچ می‌داند.

مومنه صحبت‌های محمدخان بلوچ را به‌عنوان مدرک در تلفنش ضبط کرده بود. وقتی این موضوع را تلفنی به حنیف رحمانی گفت، یکی از محافظان محمدخان بلوچ که گفت‌وگوی او را شنیده بود، این موضوع را به فرماندهش گزارش کرد. مومنه می‌گوید حوالی ساعت یک بامداد بود که فرمانده بلوچ او را از شفاخانه به فرماندهی پولیس برد. آن شب در شعبه فرمانده، پنج نفر خواب بودند. فرمانده آن‌ها را بیدار کرده، از اتاق بیرون کرد. او با عصبانیت به مومنه دستور داد که موبایلش را بدهد. مومنه می‌گوید وقتی او مقاومت کرد، محمدخان بلوچ بر سرش کلاشینکوف گرفت. اما وقتی مومنه برای دومین بار از دادن موبایلش امتناع کرد، فرمانده پولیس کجران کلاشینکوف را کنار گذاشته، موبایل را به زور از مومنه می‌گیرد. مومنه می‌گوید که محمدخان بلوچ آن شب او را لت‌وکوب کرده و به او تجاوز کرد.

به گفته‌ی مومنه و حنیف رحمانی، محمدخان بلوچ بعداً موبایل مومنه را شکسته و قطعات شکسته‌شده را در جیبش گذاشته است. اما محمدخان بلوچ ادعای تجاوز بر مومنه را رد کرده، می‌گوید که این اقدام تلاشی برای «بدنام‌اش» کردن او از سوی برخی از «دوستان و دشمنان‌اش» بوده است.

احمدتنویر حیدری نیز ادعای مومنه را رد کرده و آن را «ترور شخصیتی» علیه خود و خانواده‌اش عنوان کرد. مدیر لوجستیک فرماندهی پولیس دایکندی بر این باور است که ادعای مومنه، بخشی از مشکلات بین دو قوم در کجران است و پای او از این جهت به این قضیه کشیده شده که او آن شب مهمان فرمانده پولیس بوده است.

### تجربه‌ی فاطمه احمدی از آزار و اذیت جنسی

فاطمه احمدی، یک افسر سابق پولیس در حوزه نهم شهر کابل می‌گوید که او روزی برای مسأله حاضری‌اش به دفتر مافوقش، مدیر جنایی حوزه نهم پولیس رفت، اما مدیر جنایی به‌جای رسیدگی به مشکل حاضری او، از او تقاضای همبستری (سکس) کرد. خانم احمدی می‌گوید که این مسئول مافوق به او گفت: «یک دوستم یک بلاک دارد، باز یگان شب همان‌جا بیا یک کاکگی کن.» فاطمه احمدی می‌گوید که این مقام امنیتی به او گفت که اگر این کار را انجام دهد، دیگر نیازی نیست نگران «وظیفه و حاضری‌اش» باشد. به گفته‌ی خانم احمدی، وقتی مقامات به شکایت او رسیدگی نکردند، او با نشر ویدیویی در فیسبوکش، در اعتراض به آزار و اذیت جنسی زنان در صفوف پولیس، کارت هویتش را آتش زد.

خانم احمدی می‌گوید که یک روز پس از نشر آن ویدیو، ریاست استخبارات وزارت داخله با او تماس گرفته و او را برای گرفتن اظهاراتش به این اداره فرا خواند. این افسر سابق پولیس می‌گوید وقتی او به ریاست استخبارات رفت، مأموران این اداره با او شبیه یک «مجرم» رفتار کردند: «همین که وارد شدم، بدون سلام و احوال‌پرسی به من گفتند تو حبس می‌شوی، چرا کارت هویت خود را آتش زدی؟»

پس از دست‌به‌دست‌شدن ویدیوی اعتراضی فاطمه احمدی در شبکه‌های اجتماعی، وزارت داخله اعلام کرد که هیأتی را برای بررسی این ادعا تشکیل داده است. در کم‌تر از دو هفته این وزارت نتیجه‌ی بررسی‌هایش را چنین اعلام کرد: فاطمه احمدی «منسوب بی‌دسپلین و متخلف بوده و پایبندی به حضری و اصول اداره نداشته است». یافته‌های وزارت داخله حاکی از این بود که فاطمه احمدی نتوانسته علیه افرادی که آن‌ها را متهم به آزار جنسی کرده، سند و مدرک ارائه کند. حسنا جلیل، معین پیشین وزارت داخله در توتیتی نوشت: «وی هیچ‌گونه سندی برای اثبات ادعای آزار و اذیت جنسی بالای همکارانش ندارد و شکایتی نیز به مراجع مربوطه نداشته، بنابراین ادعای وی کذب و دور از حقیقت است.» اما خانم احمدی مدعی است که بررسی‌های این هیأت، چیزی فراتر از یک سوال و جواب و گرفتن عکس برای شبکه‌های اجتماعی نبود.

با وجود این‌که یافته‌های وزارت داخله، فاطمه احمدی را مقصر دانسته، اما یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان «صحت ادعای آزار و اذیت خانم احمدی را نشان می‌دهد.»

حداقل از سال ۲۰۱۲ میلادی به این طرف گزارش‌هایی از آزار و اذیت جنسی و تجاوز بر زنان پولیس در محیط کار توسط مافوق و همکاران مرد، نشر شده است. اما وزارت داخله این گزارش‌ها را «غراق‌آمیز» خوانده، صحت آن را انکار کرده است. حتی در یک مورد، غلام‌مجتبی پنتنگ، وزیر داخله‌ی وقت با اشاره به شکایت زنان پولیس از آزار و اذیت جنسی گفته بود که اکثر این «زنان بی‌سواد» با مطرح‌کردن ادعاهای آزار و اذیت جنسی به دنبال جلب «توجه و حمایت» می‌گردند.

اما واقعیت جامعه سنتی افغانستان نشان داده که مطرح‌کردن ادعای آزار و اذیت جنسی، بدترین راه ممکن برای «جلب توجه و حمایت» برای زنان است. زیرا سخن گفتن از تجاوز و آزار و اذیت جنسی هنوز در افغانستان تابوست؛ تابویی که زنان کم‌تری جرأت شکستن آن را دارند. امسال اما دو زن پولیس از کابل و دایکندی، این جرأت را به خود داده و علیه تجاوز و آزار و اذیت جنسی در محیط کاری‌شان سخن گفتند. روایت این دو زن، نه‌تنها ناکامی حکومت در ایجاد و تأمین فضای مصون کاری برای زنان را نشان می‌دهد، بلکه از سوءاستفاده‌ی مقامات امنیتی و محلی از صلاحیت‌های‌شان برای تجاوز، آزار و اذیت جنسی و جلوگیری از دسترسی زنان به عدالت پرده برمی‌دارد.

روزنامه اطلاعات روز در این گزارش به بررسی پرونده تجاوز جنسی به مومنه ابراهیمی یک سرباز پولیس در ولسوالی کجران دایکندی و قضیه آزار و اذیت جنسی فاطمه احمدی، افسر پولیس در کابل پرداخته است. بررسی‌های اطلاعات روز نشان می‌دهد که وزارت داخله برای رسیدگی به شکایات آزار و اذیت جنسی زنان در محیط کار، پالیسی کارآمد و سیستم اداری پاسخگو، مصون و قابل دسترس ندارد. به همین دلیل، بسیاری از زنان پولیسی که مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرند، شکایتی در وزارت داخله و دفاتر مرتبط با آن ثبت نمی‌کنند. اما تعداد انگشت‌شماری که شکایت ثبت می‌کنند، یا مجبور به انصراف از شکایت‌شان می‌شوند یا همچون مومنه ابراهیمی و فاطمه احمدی، قربانی عدالت‌خواهی‌شان می‌شوند.

### تجاوز بر مومنه ابراهیمی

روز جمعه، ۱۵ سنبله‌ی سال ۱۳۹۸، مومنه ابراهیمی، اولین پولیس زن در ولسوالی کجران به اصرار خانواده‌ی یک همکار زخمی‌اش برای گرفتن یک رسید به محل کارش، فرماندهی پولیس ولسوالی کجران دایکندی رفت. آن روز محمدخان بلوچ، فرمانده پولیس این ولسوالی به مومنه گفت که احمدتنویر حیدری، مدیر لوجستیک فرماندهی پولیس دایکندی که در سفری رسمی در کجران حضور داشت، از او «خوشش آمده است». مومنه به یاد می‌آورد که آن روز بلوچ به او گفت: «مدیر لوجستیک بهترین دوستم است، در دایکندی هر دختری را که بخوایم برایش جور می‌کنم.»

پس از ختم آن گفت‌وگو، محمدخان بلوچ زمینه تجاوز بر مومنه را در فرماندهی پولیس فراهم می‌کند. مومنه می‌گوید که آقای بلوچ، او و احمدتنویر حیدری را در شعبه‌اش تنها گذاشته و خودش پشت دروازه دراز کشید. هر چند آقای حیدری نتوانست در فرماندهی پولیس به مومنه تجاوز جنسی کند، اما او در مقابل چشم همکاران مومنه به او دست‌اندازی کرد.

حوالی ساعت ۱۱ همان شب، مومنه می‌گوید که احمدتنویر حیدری به او زنگ زده، گفت که او همراه با یک محافظ فرمانده پولیس برای بردن مومنه می‌آیند. خانم ابراهیمی می‌گوید که او از همکارانش خواست تا با احمدتنویر حیدری و محمدخان بلوچ که قصد اختطاف و تجاوز بر او را دارند، همکاری نکنند. اما همکارانش به او گفتند: «ما عسکر هستیم، امر شده، ما انجام می‌دهیم.»

ناامید از همکاری‌اش، مومنه به حنیف رحمانی، رئیس اداره‌ی امنیت ملی ولسوالی کجران برای کمک تماس می‌گیرد. حنیف رحمانی هم ابتدا حاضر به همکاری نمی‌شود، اما تماس‌های پی در پی مومنه، او را متقاعد می‌کند تا افرادش را برای بررسی به نزدیکی خانه‌ی او بفرستد.

آن شب درگیری‌ای میان پولیس و امنیت ملی رخ می‌دهد که بر اثر آن یک محافظ فرمانده پولیس کجران زخمی می‌شود. براساس گفته‌های محمدخان بلوچ و احمدتنویر حیدری، این حادثه یک «درگیری اشتباهی» بین دو گزمه بوده است. اما حنیف رحمانی و

## کاهش آلودگی هوا با آگاهی شهروندان ممکن می‌شود

سیدمجتبا هاشمی



یک روکش ذرات سمی در زمستان کابل را می‌پوشاند و سلامتی شهروندان را به خطر می‌اندازد. تخمین سازمان صحت جهانی در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که مرگ‌ومیر ناشی از خطرات محیط‌زیستی ۲۶ درصد از مجموع مرگ‌ومیر را در افغانستان تشکیل می‌دهد. براساس سروی وزارت صحت افغانستان در سال ۲۰۱۸، نزدیک به ۱۱ درصد کودکان از عفونت‌های حاد تنفسی (ARI) در کشور رنج می‌برند. هرچند آلودگی هوا، برای همه یک خطر جدی است، اما کودکان به دلیل شرایطی که در آن زندگی می‌کنند، بیشتر در معرض اثرات سوء آلودگی هوا قرار می‌گیرند. روند رشد آن‌ها توسط آلودگی هوای محیط (آلودگی هوای بیرون از خانه و هم آلودگی هوای منزل) متأثر می‌شود.

متأسفانه، درک عمومی و مردم از آلودگی هوا ابتدایی است. مردم می‌دانند که آلودگی هوا بد است، اما متوجه نمی‌شوند که برای صحت آن‌ها و صحت و رشد کودکان‌شان، چگونه مضر است. هر سال میزان آلودگی هوا بدتر و بیشتر می‌شود و بیشتر باشندگان کابل این خطر را زیاد جدی نمی‌گیرند. بنابراین، بیشتر از هر زمان دیگری مهم است که به شهروندان در مورد آلودگی هوا و عواقب آن هشدار داده شود. افزایش آگاهی عامه در مورد آلودگی هوا و دخیل کردن مردم به‌عنوان بخشی از راه حل می‌تواند نقش مهمی در راستای کاهش آلودگی هوا در پایتخت داشته باشد.

### کودکان اولین قربانی آلودگی هوا

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که ذرات کاربن سیاه حتی می‌تواند به عضوی برسد که مسئول تغذیه‌ی جنین است. قرارگرفتن مادران در معرض آلودگی هوا، به‌ویژه ذرات معلق (PM)، دی اکسید سلفر (SO<sub>2</sub>)، دی اکسید نیتروژن (NO<sub>2</sub>)، اوزون (O<sub>3</sub>) و دی اکسید کاربن می‌تواند احتمال تولد کم‌وزن، زایمان زود هنگام، سقط جنین و تولد نوزادان کوچک را افزایش دهد. از آنجایی که انتشار ذرات سمی در زمستان در کابل به سطح خطرناکی می‌رسد، این امر حتی می‌تواند میزان مرگ‌ومیر نوزادان را افزایش دهد. شواهد قوی نشان می‌دهد که آلودگی هوای محیط زیست تأثیر مخربی بر رشد عصبی کودکان دارد که می‌تواند روند رشد شناختی و فکری آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. کودکان پس از تولد، نسبت به بزرگسالان سریع‌تر نفس می‌کشند که این امر آن‌ها را بیشتر در معرض خطرات آلودگی هوا قرار می‌دهد. طفل تازه متولد شده در یک دقیقه ۳۰ تا ۴۰ بار نفس می‌کشد، در حالی که کودک سه‌ساله ۲۰ تا ۳۰ بار نفس می‌کشد. بزرگسال در یک دقیقه ۱۲ تا ۱۸ بار نفس می‌کشد. بنابراین، تنفس دو یا سه‌برابر بیشتر از بزرگسالان به معنای استشاق آلودگی بیشتر در مرحله‌ای از زندگی است که ریه‌ها، مغز و سایر اعضای بدن آن‌ها در حال رشد است. علاوه بر این، کودکان تمایل بیشتری به بازی در خارج از منزل دارند و این امر آن‌ها را بیشتر در معرض ذرات سمی قرار می‌دهد. آلودگی فصلی هوا در کابل با گذشت هر سال بدتر می‌شود و به سطحی می‌رسد که «کشنده» توصیف می‌شود. اثرات آن کودکان را با مشکلاتی مانند کاهش عملکرد ریه، آسم تشدید شده، عفونت‌های تنفسی، اثرات سوء بر رشد عصبی و دیابت روبه‌رو می‌کند. در همین حال، کودکان (به‌ویژه نوزادان و نوزادان مربوط به خانواده‌های فقیر) در داخل منزل نیز از چنین خطرات مرسوم نیستند؛ زیرا مواد سوخت مورد استفاده در این گونه خانه‌ها برای پخت و پز نیز مرسوم نیست. بنابراین، آن‌ها تحت تأثیر هوای آلوده خانه قرار می‌گیرند که طبق تخمین سازمان صحت جهانی این روند باعث بیشتر از ۲۷ هزار مورد مرگ‌ومیر در سال در افغانستان می‌شود.

### ریشه‌های آلودگی هوا

منابع عمده آلودگی هوا در طول زمستان در کابل، سوخت چوب، زغال سنگ خام (تصفیه‌نشده)، پلاستیک، تیر موتور و سوخت وسایل نقلیه (مبایل) است. مواد مذکور عمدتاً برای تسخین و پخت‌وپز استفاده می‌شود. این آلودگی علاوه بر آلاینده‌ی است که با وسایل

جنسی زنان پولیس از طریق دو کمیسیون (مرکزی و ولایتی) بررسی می‌شود. کمیسیون مرکزی در وزارت امور داخله، زیر ریاست معاون اول این وزارت و کمیسیون ولایتی زیر ریاست فرماندهان پولیس فعالیت می‌کنند.

بر بنیاد این طرزالعمل، زنان پولیس که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، باید «مدارک اثباتیه» ارائه دهند که شامل «سند تحریری، تصویری، صدا، آثار و علائم» می‌شود. براساس این ماده طرزالعمل، وزارت داخله، جمع‌آوری مدارک و شواهد برای اثبات آزار و اذیت جنسی را به دوش خود زنان می‌اندازد. چنانچه تجربه‌ی فاطمه احمدی و مومنه ابراهیمی نشان می‌دهد، ضرورت ارائه «مدارک اثباتیه» برای ثبت شکایت نه‌تنها زنان پولیس را مجبور به سکوت می‌کند، بلکه ممکن است سبب تجاوز و جرایم دیگر شود. همچنین، برخلاف بسیاری از جرایم، آزار و اذیت جنسی که اکثراً در خفا صورت می‌گیرد، به‌ندرت آثار و شواهدی همچون سند تحریری، تصویری، صدا و علائم برجای می‌گذارد.

براساس ماده چهاردهم این سند، زنان قربانی آزار و اذیت جنسی نمی‌توانند به‌صورت ناشناس شکایت ثبت کنند. برای ثبت شکایت اسم، تخلص، رتبه، نام پدر، محل وظیفه و شماره تماس شاکی ضروری است.

ماده سیزدهم این سند می‌گوید که شکایت باید از طریق «عریض، ایمیل، وب‌سایت، تلفن و سایر امکانات مستقیماً یا از طریق مرکز اطلاعاتی ۱۱۹ پولیس، آیهل ریاست عمومی اوپراسیون، امریت اخذ و ثبت شکایات ریاست حقوق بشر و امور زنان در مرکز و مدیریت‌های حقوق بشر قوماندهای امنیه در ولایات» ثبت شود. شاکی سه روز وقت دارد تا «داوطلبانه از شکایت» خود انصراف دهد. اگر شاکی بی‌هیچ «عذر موجه» پنج روز پس از ثبت شکایت به «کمیته بررسی» حاضر نشود، «شکایت موصوف مسکوت پنداشته می‌شود».

اگر تصمیم کمیسیون‌های ذیدخل برای طرفین قناعت‌بخش نباشد، آنان باید «در مدت کمتر از (۱۰) روز کاری خواهان بررسی مجدد قضیه از مقام وزارت داخله گردد». این سند صراحت دارد که «پروسه بازنگری از آغاز تاریخ ثبت شکایت، بیشتر از ۱۰ روز بوده نمی‌تواند».

به‌نظر می‌رسد وزارت داخله در تهیه این طرزالعمل، نه‌تنها از زنان پولیس نظرخواهی نکرده، بلکه حتا واقعیت زندگی آنان در جامعه سنتی افغانستان را نیز نادیده گرفته است. واقعیت این است که اکثر زنان پولیس که از طریق این وظیفه نان می‌خورند، قادر نیستند تا با ذکر نام و مشخصات شکایت ثبت کنند. این مسأله موانع اجتماعی، اقتصادی و امنیتی برای زنان ایجاد می‌کند. بسیاری از زنان پولیس زیر فشار خانواده، قوم، جامعه و همکاران مرد قرار دارند و مطرح کردن آزار و اذیت جنسی از سوی

زنان قربانی، در بهترین حالت ممکن است به ترک وظیفه یا اخراج منجر شود و در بدترین حالت، به قتل ناموسی و مرگ قربانی بینجامد. افزون بر آن، بسیاری از زنان پولیس کنترل عام و تام بر وقت و مکان رفت‌وآمدشان ندارند و نمی‌توانند در ظرف پنج روز خود را به کمیته‌ی بررسی برسانند. احتمالاً به همین دلایل زنان زیادی در وزارت داخله شکایت ثبت نمی‌کنند. براساس آمار این وزارت، در سال ۱۳۹۹ تنها ۱۰ شکایت ثبت شده که پنج شاکی آن قبل از رسیدگی انصراف دادند.

با وجود این که بیش از یک میلیارد دالر برای بهبود وضعیت زنان در افغانستان به مصرف رسیده، اما به‌نظر می‌رسد وضعیت زنان پولیس تغییر چندانی نکرده است. شمار زنان در صفوف پولیس به چهار هزار و ۶۵ نفر می‌رسد، رقمی که قرار بود تا سال ۲۰۱۵ میلادی به پنج‌هزار نفر برسد. جدیداً حکومت افغانستان در کنفرانس ژنو تعهد داده که در چهار سال آینده، ۶ هزار پولیس زن استخدام خواهد کرد. در صورتی که حکومت افغانستان به نایده گرفتن مشکلات زنان ادامه دهد و برای ایجاد محیط کاری مصلوب، پولیسی و ساختاری مطابق به واقعیت‌های عینی جامعه طرح و اجرا نکند، زنان پولیس بیشتری با سرنوشت مومنه ابراهیمی و فاطمه احمدی مواجه خواهند بود. فاطمه احمدی پس از هفت سال کار به‌عنوان پولیس، اکنون با دو فرزندش در شرایط دشواری در پاکستان به‌سر می‌برد. او از پیوستن به پولیس و ثبت شکایت پشیمان است و می‌گوید در چنین شکایت‌هایی «خود قربانی متضرر می‌شود».

دخالت و نفوذ وکلای شورای ولایتی و مقامات امنیتی در قضیه مومنه هشدار نداده و آن را در گزارشش درج نکرده، بلکه تأکید کرده: «نظارت صورت‌گرفته از جریان رسیدگی محاکماتی نشان می‌دهد که تمامی موازین محاکمات عادلانه در رسیدگی به قضیه رعایت گردیده است و تصامیمی که از سوی قضات اخذ گردیده نیز متکی به مواد قانونی و با توجه به اسناد، مدارک و شواهد موجود در دوسیه می‌باشد».

### پی‌گیری قضیه در دادگاه

مومنه می‌گوید بسیاری از شاهدان قضیه، محافظان و زیردستان محمدخان بلوچ‌اند که «از ترس قوماندان» چیزی گفته نمی‌توانستند، زیرا محمدخان بلوچ با وجود این که در رابطه به قضیه تجاوز زیر تحقیق بود، از کارش برکنار نشده بود. مومنه همچنین می‌گوید که بخشی از اسناد، از جمله «کتاب نوکروالی و دفترچه پیره‌داری» از سوی فرمانده پولیس کجران دستکاری شده است.

این سرباز پولیس می‌افزاید که قاضی دادگاه ابتدایی شواهد او را نپذیرفت و خواستار احضار شاهده‌ی شد که عمل تجاوز را دیده باشد. اما چنین شاهده‌ی وجود نداشت، چون فرمانده پولیس کجران دروازه شعبه را قفل کرده بود.

بنابراین دادگاه ابتدایی متهمان را برائت داد. اما مومنه هنوز امیدوار بود که دادگاه استیناف با توجه به اسناد و نفوذ فرمانده پولیس بر شاهدان، به نفع او حکم کند. ماه حوت سال گذشته مومنه به دادگاه رفت تا تقاضای احضار شاهده‌ی را کند که آن شب در شعبه فرماندهی پولیس خواب بودند، اما به او گفتند که پرونده او بسته شده و متهمان برائت گرفته‌اند.

مومنه که از جلسه نهایی دادگاه و فیصله‌ی آن بی‌خبر بود، به دفتر رییس دادگاه استیناف برای اعتراض رفت. اما مومنه می‌گوید، قاضی ابوبکر صدیقی به او گفت که به‌جای سروصدا، «برو خودت را بکش!»

مومنه درحالی که پشت تلفن گریه می‌کرد، با صدای بغض آلود گفت: «آن قدر ناامید شده بودم که هیچ راه امید دیگری نداشتم». او با قبول پیشنهاد قاضی صدیقی، تصمیم گرفت خودش را در مقابل ادارات دولتی آتش بزند که «درس عبرتی» به سایر همبند وضعیت زنان کارمند در ادارات دولتی شود. با یک فندک و دو بشکه تیل، مومنه در فلکه شهر نیلی اقدام به خودسوزی کرد. مردمی که او را از دور تماشا می‌کردند، وقتی دیدند که مومنه اولین بشکه‌ی تیل را روی خودش خالی کرد، به‌سوی او دویدند و هر دو بشکه‌ی تیل را از او گرفتند. آن روز مومنه داستانش را به مردمی که دور و بر او جمع شده بودند، بازگو کرد و این‌گونه بود که ویدیوی این اقدام مومنه در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد.

مومنه می‌گوید که فردای آن روز، تعدادی از زنانی که مانع خودسوزی او شده بودند، برای دادخواهی با او به دادگاه استیناف رفتند. رییس دادگاه نیز آنان را به حکم دادگاه سوم امیدوار کرد. مومنه پس از چند ماه بی‌خبری از حکم دادگاه سوم، برای گرفتن اطلاعات از سرنوشت پرونده‌اش به شورای ولایتی دایکندی مراجعه کرد. او می‌گوید که در دفتر شورای ولایتی، شیما محمدی و محافظش او را لت‌وکوب کردند. اما شیما محمدی موضوع لت‌وکوب را رد کرده، می‌گوید که مومنه به دفترش آمده، به او توهین کرده است.

براساس گفته‌ی مقامات، دادگاه سوم حدود سه ماه قبل در کابل برگزار شد و حکم دادگاه استیناف را تأیید کرد.

ما با مومنه ابراهیمی در ماه سنبله تلفنی گفت‌وگو کردیم؛ زمانی که او در نیلی، مرکز دایکندی منتظر حکم دادگاه سوم بود. از آن زمان تا کنون، تلفن او قابل دسترس نیست و ما اطلاع دقیقی در دست نداریم. اما والی دایکندی می‌گوید که او به ولسوالی کجران، به وظیفه‌اش بازگشته است.

### طرزالعمل وزارت داخله برای رسیدگی به شکایات آزار و اذیت جنسی زنان

حسنا جلیل، معین پیشین پالیسی وزارت داخله به روزنامه اطلاعات روز گفت که این وزارت در سال ۱۳۹۸ «پالیسی جندر» و «طرزالعمل رسیدگی به شکایات پیرامون آزار و اذیت کارمندان طبقه انات در وزارت امور داخله» را تهیه و اجرایی کرده است. براساس این سند، رسیدگی به شکایات آزار و اذیت

براساس سیستم شاخص کیفیت هوا (AQI) برای اندازه‌گیری ذرات سمی هوا، کیفیت هوای کابل در زمستان به‌طور مداوم «خطرناک» ارزیابی می‌شود. این شاخص از صفر تا ۵۰۰ رده‌بندی شده است و کیفیت هوای کابل از ۴۰۰ در طول شب و اوایل صبح عبور می‌کند ( صفر تا ۵۰ خوب؛ ۵۱ تا ۱۰۰ متوسط؛ ۱۰۱ تا ۱۵۰ ناسالم و نامطلوب برای افراد حساس؛ ۱۵۱ تا ۲۰۰ ناسالم؛ ۲۰۱ تا ۳۰۰ بسیار ناسالم؛ ۳۰۱ تا ۵۰۰ خطرناک).

نقلیه‌ی دست دوم، جنراتورهای تولید برق، کوره‌های خشت‌پزی، سوخت بی‌کیفیت، حمام عمومی، نانواپی‌ها و رستوران‌ها به‌وجود می‌آید.

طبق گزارش اداره‌ی ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان در سال ۲۰۱۸، اوسط مقادیر دی اکسید نیتروژن و دی اکسید سلفر و اوسط (PM<sub>2.5</sub> & PM<sub>10</sub>) حداقل دوبرابر از استاندارد تعریف‌شده فراتر رفته است. به‌عنوان مثال، در جنوری اوسط مقدار دی اکسید نیتروژن ماهانه ۲۱۲ میکروگرام در متر مکعب (µg/m<sup>3</sup>) گزارش شد؛ درحالی‌که استاندارد تعیین شده ۸۰ میکروگرام در متر مکعب می‌باشد. اوسط مقدار دی اکسید سلفر در جنوری ۱۶۸ میکروگرام در متر مکعب سه‌برابر بیشتر از میزان استاندارد که (۵۰ میکروگرام در متر مکعب) است، بود. اوسط میزان غلظت PM<sub>2.5</sub> و PM<sub>10</sub> در دسامبر برابر با ۱۰۰۲ میکروگرام در متر مکعب و ۳۶۱ میکروگرام در متر مکعب بود؛ درحالی‌که استاندارد کیفیت هوا برای PM<sub>10</sub> ۱۵۰ میکروگرام در متر مکعب و ۷۵ میکروگرام در متر مکعب برای PM<sub>2.5</sub> در ۲۴ ساعت بود.

براساس سیستم شاخص کیفیت هوا (AQI) برای اندازه‌گیری ذرات سمی هوا، کیفیت هوای کابل در زمستان به‌طور مداوم «خطرناک» ارزیابی می‌شود. این شاخص از صفر تا ۵۰۰ رده‌بندی شده است و کیفیت هوای کابل از ۴۰۰ در طول شب و اوایل صبح عبور می‌کند ( صفر تا ۵۰ خوب؛ ۵۱ تا ۱۰۰ متوسط؛ ۱۰۱ تا ۱۵۰ ناسالم و نامطلوب برای افراد حساس؛ ۱۵۱ تا ۲۰۰ ناسالم؛ ۲۰۱ تا ۳۰۰ بسیار ناسالم؛ ۳۰۱ تا ۵۰۰ خطرناک).

آلودگی فصلی هوا در کابل باید جدی گرفته شود و تلاش‌ها برای مقابله با آن به‌زودی آغاز شود. اقدام دولت در راستای افزایش سطح آگاهی و اعمال مقررات امری حیاتی است. باشندگان شهر کابل باید از اثرات مخرب نامرئی آلودگی هوا بر صحت و روند رشد کودکان‌شان آگاه شوند و بیاموزند که چگونه در حل این مسأله‌ی تهدیدکننده زندگی، مشارکت کنند. مبارزه برای هوای پاک پروسه‌ی مادام‌العمری است که مستلزم مشارکت مسئولانه‌ی دولت و شهروندان می‌باشد.

### راه حل‌ها

برای خانواده‌ها راهنمایی‌هایی در مورد چگونگی محافظت کودکان یا حداقل قرارنگرفتن آنان در معرض آلودگی هوا، ارائه شود. اطمینان حاصل شود که معلومات در این راستا به دسترس تمام افراد، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، قرار گیرد.

شبکه‌ای از سیستم‌های نظارت بر آلودگی هوا در تمام مناطق شهر کابل نصب شود و پیامدهای منفی کیفیت هوا به اطلاع شهروندان رسانده شود. شهروندان در این راستا به‌عنوان بخشی از راه‌حل، دخیل شوند. در مورد آنچه که ساکنان می‌توانند برای کاهش آلودگی هوا انجام دهند، دستورالعمل‌های روشن و عملی ارائه شود؛ این تلاش‌ها باید بر توانمندسازی افراد و جوامع جهت بسیج در برابر آلودگی هوا باشد. مردم از خطرات و پیامدهای زبان‌بار آلودگی هوا درک درستی پیدا کنند.

## یک روز بعد از پایان دوره ریاست جمهوری، دو حساب خامنه‌ای در توئیتر ترمپ را به انتقام حتمی تهدید کردند



نیروهای امریکا نداشت.

در هفته‌های گذشته به ویژه بعد از مشخص شدن نتایج انتخابات ریاست جمهوری امریکا و سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی مقام‌های جمهوری اسلامی بر شدت تهدیدات لفظی خود مبنی بر گرفتن انتقام سلیمانی از دونالد ترمپ و مقام‌های دولت او افزودند.

تهدیدات پیشین مقام‌های جمهوری اسلامی علیه دونالد ترمپ و برخی مقام‌های دولت او در حالی صورت گرفته بود که ترمپ در مقام ریاست جمهوری بود.

تهدیدات جدید از جمله تهدیدی که روز پنجشنبه در حساب‌های سایت خامنه‌ای و حساب فارسی او در حالی منتشر شد که دونالد ترمپ دیگر رییس جمهوری ایالات متحده نیست و برای ادامه یک زندگی عادی راهی محل اقامت جدید خود در فلوریدا شده است.

مقام‌های جمهوری اسلامی پیشتر از صدور حکم جلب دونالد ترمپ نیز خبر داده و در ۳۰ جدی ماه نیز اعلام کردند که دونالد ترمپ و مایک پمپئو و شمار دیگری از مقام‌های دولت ترمپ را تحریم کرده‌اند.

دولت بایدن در روز اول کاری خود با اقدام وزارت خارجه چین نیز در تحریم ۲۸ شهروند آمریکایی از جمله مایک پمپئو وزیر خارجه دولت ترمپ، جان بولتون و استیو بنن شد و بلافاصله یک سخنگوی شورای امنیت ملی دولت جو بایدن اقدام چین برای تحریم ۲۸ مقام دولت قبلی امریکا را «غیرسازنده و بدبینانه» خواند.

شاخه برون مرزی سپاه پاسداران، در ۱۳ دی ماه سال ۹۸ که با دستور دونالد امپ و در حمله ارتش امریکا در نزدیکی فرودگاه بغداد کشته شد، اعلام کردند از امریکا «انتقام سخت» خواهند گرفت.

آنها یک بار تعدادی موشک به پایگاه عین‌الاسد در عراق، محل استقرار نیروهای ائتلاف بین‌المللی ضد داعش به رهبری امریکا، شلیک کردند اما این حمله پس از آن صورت گرفت مقام‌های جمهوری اسلامی مقام‌های دولت عراق را از آن مطلع کرده بودند و تلفات جانی از میان

امریکا را به کشته شدن در انتقام سلیمانی تهدید کرد و گفت: «آنها باید بدانند حتی از درون خانه‌شان ممکن است کسانی پیدا شوند که پاسخ این جنایت را بدهند.» قاننی که جمعه ۱۲ جدی در مراسم سالگرد کشته شدن سلیمانی، سخن می‌گفت، تاکید کرد که «در سراسر عالم هر کجا مردی پیدا شود» آماده است کسانی که این اقدام را انجام دادند «به سزای عملش برساند».

مقام‌های جمهوری اسلامی از جمله علی خامنه‌ای از هنگامی که قاسم سلیمانی، فرمانده وقت نیروی قدس

اطلاعات روز: حساب پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر علی خامنه‌ای در توئیتر با انتشار پوستر از تصویر دونالد ترمپ در زمین گلف و با تیتراژ «انتقام حتمی است»، رییس جمهوری پیشین امریکا را به‌طور ضمنی به کشته شدن تهدید کرد.

به نقل از ایران اینترنشنال، این پوستر یک روز بعد از پایان دوره ریاست جمهوری دونالد ترمپ و آغاز ریاست جمهوری جو بایدن منتشر شد و حساب توئیتر فارسی علی خامنه‌ای ۲۳۲۷ هزار فالوئر دارد نیز اقدام به بازنشر این تویت کرد. در این پوستر، تصویری از فراز یک زمین گلف آمده که دونالد ترمپ به تنهایی در آن مشغول بازی گلف است. تیتراژ «انتقام حتمی است» در کنار تصویری که از ترمپ در زمین گلف آمده تداعی کننده تهدید به انتقام از ترمپ و کشتن رییس جمهور پیشین ایالات متحده امریکا با حمله پهبادی است.

علاوه بر این، جمله‌ای از سخنان ۲۶ قوس ۹۹ علی خامنه‌ای نیز در این پوستر نقل شده که درباره انتقام از کشته شدن قاسم سلیمانی آمده است که در آن گفته بود: «انتقام حتمی است قاتل سلیمانی و آمر به قتل سلیمانی باید انتقامشان را پس بدهند» و «بلاخره غلطی کردند، بایستی انتقام پس بدهند؛ هم آمر هم قاتل بدانند که در هر زمان ممکن باید انتقامشان را پس بدهند».

سه هفته پیش، اسماعیل قاننی، فرمانده فعلی نیروی قدس شاخه برون مرزی سپاه پاسداران، ضمن آنکه مقام‌های

### دیده‌بان حقوق بشر سوریه:

## اسرائیل پنج موضع نیروهای تحت حمایت ایران و حزب‌الله در سوریه را نابود کرد

اطلاعات روز: سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد جنگنده‌های اسرائیل با پرواز بر فراز لبنان دست‌کم پنج موضع متعلق به شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران و حزب‌الله لبنان در نزدیکی شهر حما در سوریه را هدف قرار دادند.

به گزارش ایران اینترنشنال، این سازمان روز جمعه سوم دلو گزارش داد که در این حملات، همه مواضع هدف گرفته شده، ویران شدند.

همچنین براساس این گزارش، شلیک سامانه پدافند موشکی رژیم بشار اسد موجب شد که منطقه مسکونی در شمال غرب حما تخریب شود و بر اثر ترکش‌های موشک‌های این سامانه، یک خانواده چهارنفره کشته شوند. همچنین بر اثر اصابت موشک‌های این سامانه به این منطقه مسکونی، دفاعی یک چهار نفر دیگر زخمی



شدند.

سانا، خبرگزاری رسمی سوریه با تایید کشته شدن ۴ نفر و زخمی شدن ۴ نفر دیگر، این تلفات انسانی را به حملات اسرائیل منتسب کرده است.

خبرگزاری فرانسه نوشت که در اسرائیل، یک سخنگوی ارتش از توضیح در این باره خودداری کرده است. اسرائیل از زمان آغاز جنگ داخلی در سوریه، مواضع نیروهای تحت حمایت جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان در سوریه را هدف گرفته است، اما معمولاً از تایید این حملات یا توضیح در این باره خودداری می‌کند.

آخرین حمله اسرائیل در هفته گذشته صورت گرفت که در آن دست‌کم ۵۷ نفر کشته شدند. اسرائیل در این حمله، مواضع، انبارهای اسلحه، موشک و مهمات نیروهای رژیم سوریه، حزب‌الله لبنان و شبه‌نظامیان

مورد حمایت ایران را هدف قرار داد.

دیده‌بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد که ۱۶ نفر از کشته‌شدگان شبه‌نظامی عراقی و ۱۱ نفر نیز عضو گروه فاطمیون کشته شدند.

با این حال معاون سیاسی نیروی قدس سپاه پاسداران گفت این حمله تلفات انسانی نداشته و اسرائیل «جرات» حمله به مراکز و مواضع ایران و «گروه‌های مقاومت» در سوریه را ندارد.

به تازگی، وزیر اطلاعات اسرائیل از جو بایدن خواسته بود سیاست کنونی واشینگتن در مقابله با حضور نظامی ایران در کشورهای منطقه را ادامه دهد.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، نیز در ماه‌های اخیر بارها درباره مقابله کشورش با حضور نظامی ایران در سوریه هشدار داده است.

### استیضاح ترمپ؛

## جمهوری خواهان به دنبال تاخیر در روند رسیدگی هستند



### پاسخ دموکرات‌ها چه خواهد بود؟

دفتر آقای شومر هنوز در مورد پیشنهاد سناتور میچ مک کانل، اظهارنظری نکرده است.

نانسی پلوسی، رییس مجلس نمایندگان هم روز گذشته از پاسخ به سوال خبرنگاران در مورد زمان رسیدگی به استیضاح آقای ترمپ در سنا خودداری کرد. اما گفت که آقای ترمپ به این خاطر که دوران ریاست جمهوری‌اش به پایان رسیده، به معنای «قسر در رفتن از محاکمه نیست».

اما برای محکومیت آقای ترمپ حمایت حداقل ۱۷ نماینده جمهوریخواه ضروری است. چرا که برای هر گونه تصمیمی دو سوم آرا نمایندگان لازم است.

تعداد انگشت شماری از جمهوری خواهان سنا اعلام کرده‌اند که حاضر به محکومیت ترمپ هستند، اما اکثر آنها یا قانونی بودن محاکمه رییس‌جمهور را پس از ترک مقام مورد تردید قرار داده‌اند و یا گفته‌اند که این روند بسیار تفرقه انگیز است.

فشار آورده درباره رقیب سیاسی او جو بایدن تحقیق کند. با این حال مجلس سنا دو هفته بعد به تیره او رای داد. آقای ترمپ با پایان یافتن دوره ریاست جمهوری اش روز چهارشنبه (۲۰ جنوری/ اول دلو) به فلوریدا رفت و از شرکت در مراسم تحلیف جو بایدن، رییس‌جمهور خودداری کرد.

### درخواست جمهوری خواهان چه هست؟

میچ مک کانل، رهبر اقلیت سنا، روز گذشته در تماسی با سناتورهای جمهوری خواه گفت که از دموکرات‌های مجلس درخواست کرده تا از ارسال لایحه استیضاح به سنا تا ۲۸ ماه جاری (جنوری) خودداری کنند. اقدامی که باعث آغاز مرحله اول رسیدگی به استیضاح دونالد ترمپ می‌شود.

براساس این برنامه زمانی، آقای ترمپ سپس دو هفته یعنی تا ۱۱ فبروری فرصت دارد تا دفاع مقدماتی خود را ارائه دهد. انتظار می‌رود که بحث‌ها از اواسط ماه فوریه آغاز شود. جمهوری خواهان که از روز چهارشنبه ۲۰ جنوری عملاً دیگر کنترل سنا را در دست ندارند، برای عملی شدن به تاخیر افتادن روند رسیدگی استیضاح در سنا، به موافقت رهبر جدید اکثریت دموکرات در سنا یعنی چاک شومر نیاز دارند.

ده نماینده جمهوری خواه در جریان رسیدگی به استیضاح دونالد ترمپ در ۱۴ جنوری در کنار دموکرات‌های مجلس نمایندگان بودند.

اگرچه اکثریت سنا در حال حاضر در اختیار دموکرات‌هاست،

اطلاعات روز: جمهوری خواهان در سنای امریکا از دموکرات‌ها درخواست کرده‌اند که شروع دادرسی برای استیضاح دونالد ترمپ، رییس‌جمهور پیشین را تا ماه آینده میلادی (فبروری) به تأخیر بیندازند.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، آن‌ها گفته‌اند که این تأخیر به آقای ترمپ فرصت می‌دهد تا خود را برای دفاع آماده کند. آقای ترمپ متهم شده که در سخنرانی خود در روز ۶ جنوری در واشنگتن، هوادارانش را به یورش به ساختمان کنگره تشویق کرده است.

در پی اظهارات آقای ترمپ هواداران او به زور وارد کنگره شدند که در نتیجه قانونگذاران مجبور شدند روند تایید نهایی نتایج انتخابات ریاست جمهوری را معلق کنند و به پناهگاه بروند.

ساختمان تحت محاصره درآمد و در جریان آن حوادث ۵ نفر جان خود را از دست دادند.

در پی این حادثه نمایندگان امریکا با ۲۳۲ رای مثبت در مقابل ۱۹۷ رای منفی به استیضاح دونالد ترمپ رییس‌جمهور امریکا رای داد. او اولین رییس‌جمهور در تاریخ این کشور بوده که دو بار استیضاح شد.

آقای ترمپ اکنون در سنا با محاکمه روبه‌روست و اگر محکوم شود ممکن است برای همیشه از امکان شرکت در انتخابات محروم شود.

مجلس نمایندگان بار پیش روز ۱۸ دسامبر ۲۰۱۹ آقای ترمپ را با دو اتهام سوءاستفاده از قدرت و کارشکنی علیه کنگره استیضاح کرده بود. آقای ترمپ متهم بود به اوکراین

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهربار

• صفحه آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

## خبرهای کوتاه

## غایبان بزرگ رئال مادرید در دیدار برابر آلاوس

رئال مادرید در نبود زین الدین زیدان و چند بازیکن مطرح خود به مصاف آلاوس می‌رود. خبرهای بد برای رئال مادرید پایانی ندارد. سفیدپوشان که در ۱۰ روز گذشته حذف از دو جام را تجربه کردند اکنون با غیبت چند مهره سرشناس خود به مصاف آلاوس خواهند رفت. پیش از این اعلام شده بود سرخیو راموس، اودگارد، ناچو و رودیگو نمی‌توانند تیم را برای بازی امشب همراهی کنند اما به این لیست نام قدریکو والورده هم اضافه شد. باشگاه رئال مادرید اعلام کرد هافبک اسپانیایی دچار آسیب دیدگی عضلانی از پای راست شده است.

همچنین زین الدین زیدان به دلیل ابتلا به ویروس کرونا تیمش را در این دیدار همراهی نخواهد کرد. بتونی، دستیار سرمربی فرانسوی که به طور موقت جانشین خواهد بود در نشست خبری اعلام کرد دنی کاراوخال هم برابر آلاوس بازی نخواهد کرد.

## دمیتروویچ، هفتمین دروازه‌بان گلزن تاریخ لالیگا

دروازه‌بان ایبار با گلزنی مقابل اتلتیکو مادرید نامش را در تاریخ لالیگا به ثبت رساند. به نقل از آس، در دیدار پنجشنبه شب اتلتیکومادرید و ایبار در لالیگا که با پیروزی ۲ بر یک روخی بلانکو همراه شد اتفاق قابل توجهی رخ داد. زمانی که یانیک کاراسکو، موتو را در محوطه جریمه سرنگون کرد داور یک پنالتی به نفع میزبان اعلام کرد و پشت ضربه دمیتروویچ، دروازه‌بان ایبار ایستاد. او به راحتی اوپلاک را مغلوب کرد و گل نخست بازی را در دقیقه ۱۲ به ثمر رساند. دمیتروویچ با این گل نامش را در تاریخ لالیگا به ثبت رساند و هفتمین دروازه‌بانی لقب گرفت که در این رقابت ها گلزنی می‌کند. پیش از او سانتاماریا، فنوی، چیلاروت، پراتس، ناچو گونسالس و آرانسویا (آخرین دروازه‌بانی بود که گلزنی کرد و گلش را با ضربه سر در سال ۲۰۱۱ به ثمر رساند) گلزنی کرده بودند.

## سوارس:

## می‌توانیم کارهای بزرگی انجام دهیم

مهاجم اتلتیکومادرید پس از پیروزی مقابل ایبار اعلام کرد تیمش اگر بخواهد می‌تواند کارهای بزرگی انجام دهد. به نقل از بی ساکر، اتلتیکومادرید پنجشنبه شب در لالیگا به سختی توانست شکست یک بر صفر را برابر ایبار جبران کند و با پیروزی ۲ بر یک زمین را ترک کند. این برد به لطف دبل لوییس سوارس به دست آمد. مهاجم اروگوئه ای پس از بازی گفت: می‌توانیم چیزهای مهمی را به دست آوریم. باید این موضوع را دانست که پیروزی در هر بازی سخت است. در این دیدار نشان دادیم که سطحمان را حفظ کردیم. جنگی بود که در آن ایجاد موقعیت سخت بود. تا پایان تلاش بازیکن اتلتیکومادرید درباره اختلاف امتیازشان با رئال مادرید و بارسلونا اظهار کرد: این اشاره خوبی است چون ما در مسیری قرار داریم که خواهانش هستیم. در صدر بودن و پیروزی در هر بازی کار سختی است.

برنلی گفت: «من دوست ندارم از بازیکنان مدام انتقاد کنم اما فکر کنم آرنولد ۳۸ بار توپ را لو داد! بیشتر از بازیکن دیگری در این فصل از لیگ برتر.

او بازیکن جالبی است. او در سن خیلی کم به لیورپول آمد، چند باری مجبور شد از ترکیب تیم کنار برود. او بسیار تحسین شد و بخش جدایی ناپذیری از موفقیت لیورپول در لیگ برتر، لیگ قهرمانان، قهرمانی باشگاه‌های جهان بود و به تیم ملی انگلیس هم رسید.

او بازیکن بدی نیست، اما در عین حال اصلا فرصت استراحت هم نداشته. او این فصل مصدوم شد اما بازیکنان جوان آمادگی خود را راحت از دست می‌دهند. مناسبانه برای ترنت هم چنین اتفاقی افتاده است.

او غیر از بازی در لیورپول به چیز دیگری عادت نداشت و ناگهان مصدومیت او را به فضای دیگری برد.

راجع به ترنت به عنوان یک بازیکن جوان، این صحبت هست که شما می‌توانید او را یک یا دو هفته از خط آتش خود خارج کنید. FA Cup در پیش است و شاید فرصت خوبی باشد که اجازه دهیم او کمی آرام بگیرد.»

## بدترین روزهای ترنت الکساندر آرنولد با لیورپول



مقصر بود و رکورد لو دادن توپ در لیگ برتر را شکست! آن هم رکوردی که در ابتدای همین ماه به نام خودش ثبت کرده بود!

در باخت ۱-۰ برابر ساوتهمپتون، آرنولد ۳۸ بار توپ را لو داد، اما تنها دو هفته بعد او این عدد را به ۳۹ توپ لو داده در بازی برابر برنلی رساند.

عدم آمادگی آرنولد به چشم کارشناسان نیز آمده است و دیوید جیمز، دروازه‌بان سابق لیورپول، به کلپ توصیه کرده که او را از ترکیب اصلی تیم خارج کند.

دیوید جیمز پس از شکست لیورپول برابر

البته این تنها الکساندر آرنولد نیست که پایین تر از سطح انتظار بازی می‌کند و لیورپول نیز در حال تجربه بدترین روزهای خود از زمان حضور یورگن کلپ روی نیمکت این تیم است.

شکست برابر برنلی در آنفیلد، پنجمین بازی پیاپی آنها در لیگ برتر بود که بازیکنان لیورپول از دستیابی به پیروزی بازماندند. این تیم روزها است که با مشکل در گلزنی و ضعف در خط حمله دست و پنجه نرم می‌کند.

در بازی پنجشنبه شب برابر برنلی الکساندر آرنولد بارها در از دست دادن مالکت توپ

## لروی سانه:

## یک گواردیولای کوچک در گوشم داشتم!

سانه در آخرین مصاحبه خود گفت: «من و پپ روابط خوبی داشتیم. من اغلب خانواده پپ را بیشتر از خودش در ساختمان می‌دیدم. او عصرها که به خانه برمی‌گشتیم پشت پنجره منتظرمان نبود تا ما را چک کند!

به نظر من خیلی عالی بود که آنقدر نزدیک به هم تیمی هایم زندگی می‌کردم. همسایگی خوبی بود. او مرا به سطح کاملا جدیدی رشد داد. بیشتر با کار کردن بر روی جزئیاتی مثل اینکه با کدام پا در چه موقعیتی و گونه توپ را می‌گیرم؟ بهترین کار برای باز

گذاشت و با او تمرین کرد، که او هنگام بازی احساس می‌کرد یک گواردیولای کوچک در گوش‌اش نشسته و به او می‌گوید که در زمین چه کند. سانه در ۱۳۵ بازی خود برای منچسترستی ۳۹ گل به ثمر رساند و تبدیل به یکی از خطرناک‌ترین بازیکنان لیگ برتر شد.

خانه سانه در دوران بازی در سیتی با خانه گواردیولا و همچنین داوید سیلوا و ایلکای گوندوگان در یک ساختمان واقع شده بود، اما او می‌گوید که این موضوع هیچ فشاری روی زندگی شخصی اش وارد نکرد.



لروی سانه، ستاره بایرن مونیخ، می‌گوید که سرمربی سابق‌اش آنقدر با او کار کرده بود که می‌توانست در حین بازی دستوراتش را در ذهن خود بشنود! لروی سانه می‌گوید پپ گواردیولا آنقدر برای تبدیل کردن او به بازیکنی بهتر وقت



ها را گل کنیم، شاید ترس باشد، من نمی‌دانم. اما به عنوان بازیکن بارسلونا نمی‌توانید دو پنالتی را از دست بدهید، این جدی نیست.

و تازه فشار چندانی هم موقع زدن پنالتی‌ها در کار نیست چرا که خبری از جو ورزشگاه نیست و فشاری از سوی تماشاگران به بازیکنان وارد نمی‌شود. ما نیاز داریم خونسرد باشیم و گل بزنیم. از دست دادن پنالتی هم بخشی از این کار است اما، نمی‌توانم از دست دادن دو پنالتی در یک بازی را بپذیریم، مثل اتفاقی که پنجشنبه شب افتاد.»

## کومان:

## از دست دادن دو پنالتی قابل قبول نیست!

رونالد کومان پس از بازی گفت: «مهمترین چیز این است که بازی را بربری و صعود کنی، اما نمی‌شود فقط چون گل زدیم خوشحال باشیم. ما دو پنالتی را از دست دادیم و در اینطور مسابقات باید مسئولیت پذیرتر باشیم.

دوباره ما ۱۲۰ دقیقه بازی کردیم که واقعا نکته مهمی است چرا که این سومین بازی است که مجبور می‌شویم ۱۲۰ دقیقه بازی کنیم. ما موقعیت‌هایی به وجود آوردیم و دو ضربه پنالتی داشتیم. از دست دادن دو پنالتی قابل قبول نیست.

در بازی‌های اینجینیتی، خیلی دستاوردهای کمی به دست می‌آوری و چیزهای زیادی را می‌توانی از دست بدهی.

کورنیا خیلی خوب بازی کرد و دروازه‌بان‌شان بهترین بازیکن زمین بود، اما ما به اندازه کافی شانس گلزنی داشتیم که بازی آسان‌تری داشته باشیم.

## هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۷۰۰۰ افغانی

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

در دهه ۱۹۹۰ تلاش پاکستان برای نفوذ در افغانستان از طریق طالبان، این گروه را از متحدی حیاتی برخوردار کرد. از آن زمان کشور پاکستان قربانی خشونت‌های جهادگرایانه شده است، اما دولت تحت سلطه ارتش این کشور همچنان به دنبال نفوذ در افغانستان برای محافظت از مرز طولانی‌اش با این کشور و خنثا کردن نفوذ هند است. پاکستان از توافق ماه فبروری حمایت کرد، اما همچنان از طریق «آی‌اس‌آی» از لحاظ نظامی طالبان را محافظت می‌کند. این کشور از نظر دیپلماتیک نیز طالبان را حمایت می‌کند. استدلال پاکستان برای مثال طی سفر اخیر رهبران طالبان به این کشور، این بود که مشکل تداوم خشونت در افغانستان تنها تقصیر شورشیان اسلام‌گرا نیست، بلکه مسأله‌ای است که «همه‌ی طرف‌ها»ی این جنگ در آن دخیل‌اند.

بایدن تجربه طولانی از کار با پاکستان را دارد و او این کشور را به اندازه‌ی کافی می‌شناسد تا به صورت واقع‌بینانه درباره آی‌اس‌آی و فرماندهان نظامی پاکستان بدبین باشد. تلاش‌های جنگی دولت اواما در افغانستان تا حدی به دلیل تناقضی که در آن پای پاکستان دخیل بود، به بن‌بست خورد: اواما معتقد بود که ادامه جنگ یکی از منافع حیاتی ایالات متحده به دلیل تهدید مداوم از سوی القاعده است، اما درحالی‌که سربازان امریکایی در بن‌بست جنگی خونینی در خاک افغانستان در برابر طالبان (گروهی که اواما آن‌را به اندازه القاعده برای ایالات متحده یک تهدید جدی تلقی نمی‌کرد) می‌جنگیدند، رهبران و عوامل القاعده در پاکستان اقامت داشتند.

بایدن در معرض خطر افتادن در عین دام است. او هدف محدودی را برای مقابله با تروریسم تعریف کرده است، درحالی‌که واضح است که مهار القاعده و دولت اسلامی تا حد زیادی به دوام آوردن حکومت افغانستان و تمایل کابل به همکاری با ایالات متحده و اروپا برای مقابله با دشمنانش بستگی دارد. از طرف دیگر بخت کابل به گفت‌وگوهای دوحه و پایداری حمایت بین‌المللی از افغانستان گره خورده است؛ دو پروژه‌ی بسیار پیچیده.

بازگشت دوباره طالبان به قدرت در افغانستان به معنای شکست زنان شاغل، شهرنشینان عصری این کشور و دموکراسی‌خواهان افغان خواهد بود. این افغان‌ها عمدتاً در شهرهای تحت پوشش شبکه تلفن همراه بزرگ شده‌اند، شهرهایی که با احیای فرهنگ و ورزش، و با کمک‌های مالی جامعه جهانی و حمایت نظامی نیروهای ناتو، طی این سال‌ها جان تازه گرفتند. این افغان‌ها به تعبیری، متحدان اخلاقی و سیاسی ما در مذاکرات دوحه به‌شمار می‌روند. معضل بایدن این است که او نه راه آسانی برای محافظت از این افغان‌ها دارد و نه هم، احتمالاً، تمایلی به ترک آن‌ها. مشکل جنگ افغانستان از چهار سال پیش، که بایدن به‌عنوان معاون رییس‌جمهور دست از تلاش برای حل آن برداشت، تاکنون و با این‌که سرمایه‌گذاری امریکایی‌ها روی آن کاهش یافته است، آسان‌تر نشده است. اکنون درست مانند چهار سال پیش، خبری از گزینه‌های خوب یا آسان نیست؛ آنچه پیش روی بایدن قرار دارد فقط گزینه‌های «کم‌تر بد» است.

استیو کول، همکار نیویورکر، رییس دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه کلمبیا و نویسنده کتاب «ریاست اس؛ سازمان سیا و جنگ‌های مخفیانه امریکا در افغانستان و پاکستان» است.

## رییس‌جمهور بایدن و جنگ افغانستان



دارند. این کارشناسان به‌رغم مشکلات، حمایت از حکومت افغانستان و ادامه حمایت از گفت‌وگوهای دوحه را ترجیح دادند و برخی از آن‌ها توصیه کردند که خروج نهایی نیروهای امریکایی از افغانستان باید به تأخیر بیفتد. «جیمز دابینز» که سمت خلیل‌زاد را در دوره دوم ریاست‌جمهوری اواما برعهده داشت، خاطرنشان کرد که بایدن استدلال کرده است ایالات متحده باید «یک نیروی ضدشورش کوچک را تا زمانی که تهدید القاعده و دولت اسلامی رفع نشده باشد، در افغانستان نگه دارد.» او افزود که تعداد نیروهای ایالات متحده (که در زمان مصاحبه با دابینز ۴۵۰۰ نفر بود) «اکنون در حدی است که تا زمانی که تهدید از بین نرفته باشد، نباید از آن بیشتر کاهش یابد.»

رینا امیری، که به‌عنوان مأمور سیاسی وزارت امور خارجه روی سیاست ایالات متحده در قبال افغانستان کار کرده است و مدتی را به‌عنوان مشاور میانجی‌گری در سازمان ملل متحد خدمت کرده است، می‌گوید: «دولت ترمپ امتیازات زیادی را به‌صورت یک‌جانبه به طالبان داده است، آن‌هم بدون این‌که از طالبان امتیازات قابل ملاحظه‌ای به‌دست آورد. بایدن با متوقف کردن خروج بقیه نیروها تا زمانی که طالبان با حسن نیت وارد مذاکرات شوند، می‌تواند به مذاکرات صلح فرصتی معنادار را برای موفقیت فراهم آورد.»

ولی نصر، استاد «دانشکده مطالعات پیشرفته بین‌المللی» در «دانشگاه جانز هاپکینز» که در دوره اول ریاست‌جمهوری اواما در امور افغانستان و پاکستان کار می‌کرد، شک دارد که گفت‌وگوهای فعلی به ثبات در افغانستان منجر شود. او می‌گوید: «طالبان از خواسته‌های سیاسی خود عقب‌نشینی نکرده‌اند و به احتمال زیاد در آینده هم نخواهند کرد. آن‌ها فکر می‌کنند که ایالات متحده با چالش‌های زیادی روبه‌رو و مشتاق دست‌شستن از افغانستان است.» نصر افزود که شکست مذاکرات و خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان می‌تواند به معنای بازگشت به گذشته، جنگ داخلی چندجانبه، هرج‌ومرج و بحران‌های انسانی در افغانستان باشد؛ شرایطی که به ظهور طالبان در دهه ۱۹۹۰ کمک کرد.

کارمندان دولتی هدف قرار گرفته‌اند. آنچه از ماه فبروری سال گذشته تاکنون آشکار شده این است که به نوشته «کیت کلارک»، روزنامه‌نگار سابق بی‌بی‌سی و از مدیران «شبکه تحلیل‌گران افغانستان»، توافق ایالات متحده و طالبان «توازن قوا را در میدان نبرد به نفع طالبان تغییر داده است.» کلارک سال گذشته خاطرنشان کرد که با خروج سربازان امریکایی از میدان جنگ و فراهم شدن زمینه برای آزادی ۵ هزار زندانی طالبان، این توافق تیغ نظامی «طالبان را تیزتر کرده است و اعتماد به نفس آن‌ها را بالا برده است.» کلارک نوشته که «شانه‌ی چندانی وجود ندارد که نشان دهد روند صلح کنونی از اشتیاق طالبان به ادامه جنگ کاسته است.»

توافقی که خلیل‌زاد با طالبان انجام داد به‌رغم نواقصی که دارد، اساساً همان چارچوبی را برای پی‌گیری خروج نیروهای امریکایی از افغانستان و توافق سیاسی در این کشور بازتاب می‌دهد که دولت اواما (البته بدون موفقیت) در تلاش دستیابی به آن بود. بایدن، مشاور امنیت ملی‌اش «جیک سالیوان» و نامزد او برای پست وزارت امور خارجه، «آنتونی بلینکن»، همه کهنه‌سربازان با تجربه سیاست‌های اواما در قبال افغانستان هستند. من از چندین کارشناس سیاست خارجی که در دولت اواما خدمت می‌کردند پرسیدم که آن‌ها چه توصیه‌ای برای بایدن

مشکل جنگ افغانستان از چهار سال پیش، که بایدن به‌عنوان معاون رییس‌جمهور دست از تلاش برای حل آن برداشت، تاکنون و با این‌که سرمایه‌گذاری امریکایی‌ها روی آن کاهش یافته است، آسان‌تر نشده است. اکنون درست مانند چهار سال پیش، خبری از گزینه‌های خوب یا آسان نیست؛ آنچه پیش روی بایدن قرار دارد فقط گزینه‌های «کم‌تر بد» است.

امضای توافق‌نامه دوحه تا حالا در افغانستان برقرار شود (از جمله کاهش ملموس خشونت و پیشرفت طرف‌ها در راستای ایجاد نظم سیاسی جدید در این کشور) تحقق نیافته است. سپتامبر سال گذشته مذاکرات در دوحه بین طالبان و حکومت افغانستان برای تعیین «نقشه راه» این کشور به سمت آینده‌ی سیاسی صلح‌آمیز آغاز شد، اما این مذاکرات تاکنون پیشرفتی نداشته است، جنگ داخلی همچنان شعله‌ور است و از آتش‌بس هم خبری نیست. با وجود این بایدن باید تصمیم بگیرد که آیا همه‌ی سربازان امریکایی را تا ماه می از افغانستان بیرون بکشد یا خیر. اگر او تصمیم بگیرد که سربازان امریکایی را برای مدتی در افغانستان نگه دارد، باید راهی را برای انجام این کار پیدا کند که منجر به فروپاشی مذاکرات دوحه یا افزایش بیشتر خشونت در افغانستان نشود.

توافق‌نامه صلح دولت ترمپ تاکنون عمدتاً به نفع طالبان واقع شده است. این توافق را زلمی خلیل‌زاد، دیپلمات افغانی‌الاصل و پرنفوذ امریکا مهندسی کرد. او همچنان که با طالبان مذاکره می‌کرد، تحت فشار دمدمی‌مزاجی‌های رییس‌جمهور ترمپ قرار داشت که بارها با تهدید به بیرون کشیدن همه‌ی سربازان امریکایی از افغانستان (خواستار و هدف اصلی طالبان از مذاکره با واشنگتن)، بدون توجه به شرایط این کشور، مواضع ایالات متحده را در میز مذاکره تضعیف کرد. از زمان امضای این توافق‌نامه، خلیل‌زاد و سایر مقامات دولت ترمپ بارها از گروه طالبان خواسته‌اند خشونت را به‌طور ملموس کاهش دهد. اما گروه طالبان به حملات بی‌وقفه‌اش علیه نیروهای امنیتی حکومت افغانستان ادامه داده است. شورشیان طالبان اکنون قادر به بسیج نیرو و تحکیم کنترل‌شان بر برخی از شاهراه‌های افغانستان و مناطق اطراف مراکز شهری این کشور شده‌اند؛ اقداماتی که اگر این گروه هنوز با خطر بمباران شدید از جانب نیروهای امریکایی روبه‌رو بود، قادر به انجامش نمی‌بود. همچنین بسیاری از مقامات افغان طالبان را مسئول موج تازه تروریسمی می‌دانند که در آن از سال گذشته تاکنون روزنامه‌نگاران، فعالان حقوق بشر و

استیو کول، نیویورکر  
مترجم: جلیل پژواک

سال ۲۰۰۹ هنگامی که جو بایدن معاون رییس‌جمهور ایالات متحده شد، ده‌ها هزار سرباز امریکایی مشغول نبرد با شورش درحال گسترش طالبان در افغانستان بودند و جنگ این کشور یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی ایالات متحده به‌شمار می‌رفت؛ زیرا چند ماه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، سربازان امریکایی مستقر در افغانستان متحمل تلفات شده بودند و آمار کشته و زخمی‌ها رو به افزایش بود؛ القاعده درحال برنامه‌ریزی حملات گسترده علیه اهداف مرتبط با ایالات متحده در منطقه مرزی افغانستان و پاکستان بود؛ و پنتاگون خواستار اعزام سربازان بیشتر به این کشور شده بود. ماه فبروری همان سال من و شماری از کارشناسان افغانستان برای حضور در مراسم شام به محل اقامت بایدن در واشنگتن رفتیم. در آن زمان بایدن در مورد یک موضوع مطمئن بود: این‌که عموم مردم امریکا در طولانی مدت از جنگ در افغانستان حمایت نمی‌کنند. او همچنین درباره فشار جنرال‌های ارتش بر اواما که خواستار تشدید مداخله‌ی امریکا در جنگ افغانستان بودند (و بایدن با این ایده جنرال‌ها مخالف بود) صحبت کرد. بایدن اواما را مصمم توصیف کرد و گفت که رییس‌جمهور خودش تصمیمی در خصوص این جنگ خواهد گرفت.

حالا، برای رییس‌جمهور جو بایدن رسیدگی به جنگ افغانستان با وجود این‌که سربازان امریکایی در این کشور همچنان حضور دارند و جنگ هنوز ادامه دارد، فوریت چندانی ندارد. او به‌عنوان رییس‌جمهور با تصامیمی مواجه است که مسیر فصل بعدی جنگ را مشخص و میراث حمله‌ی به رهبری ایالات متحده به افغانستان را تعیین خواهد کرد. (کارزار نظامی که براساس داده‌های رسمی تاکنون بیش از ۸۰۰ میلیارد دالر هزینه روی دست ملت امریکا گذاشته است و در آن بیش از ۲۴۰۰ امریکایی جان خود را از دست داده‌اند.)

درحال حاضر تنها ۲۵۰۰ سرباز امریکایی در افغانستان حضور دارد. و براساس توافقی که ماه فبروری سال گذشته در دوحه بین دولت ترمپ و طالبان به امضا رسید، این نیروها عمدتاً از انجام مأموریت‌های جنگی در افغانستان خودداری می‌کنند. اهداف توافق‌نامه دوحه خروج همه‌ی نیروهای امریکایی از افغانستان، ایجاد زمینه برای آتش‌بس، دستیابی به توافق سیاسی بین طالبان و حکومت افغانستان به رهبری رییس‌جمهور اشرف غنی، و جلوگیری از تهدید القاعده یا دولت اسلامی علیه ایالات متحده از خاک افغانستان است. این اهداف با اهدافی که بایدن قبلاً بیان کرده بود تفاوت چندانی ندارد. بایدن بهار سال گذشته در مقاله‌ای برای «فارن افرز» نوشت که ایالات متحده باید «اکثریت قریب به اتفاق» نیروهایش را از افغانستان خارج کند و منافعی را محدود به مبارزه با تروریسم در این کشور تعریف کند.

با این حال آنچه از دولت ترمپ در خصوص افغانستان برای دولت بایدن به میراث مانده است، یک آشفتگی شکننده است که مهلت آن ماه می تعیین شده است. طبق توافق‌نامه دوحه قرار است همه‌ی نیروهای امریکایی تا ماه می پیش‌رو در ازای تضمین‌های طالبان مبنی بر جلوگیری از فعالیت القاعده و سایر گروه‌های تروریستی بین‌المللی در افغانستان، این کشور را ترک کنند. اما شرایطی که برخی امیدوار بودند پس از